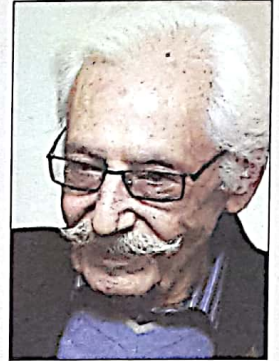
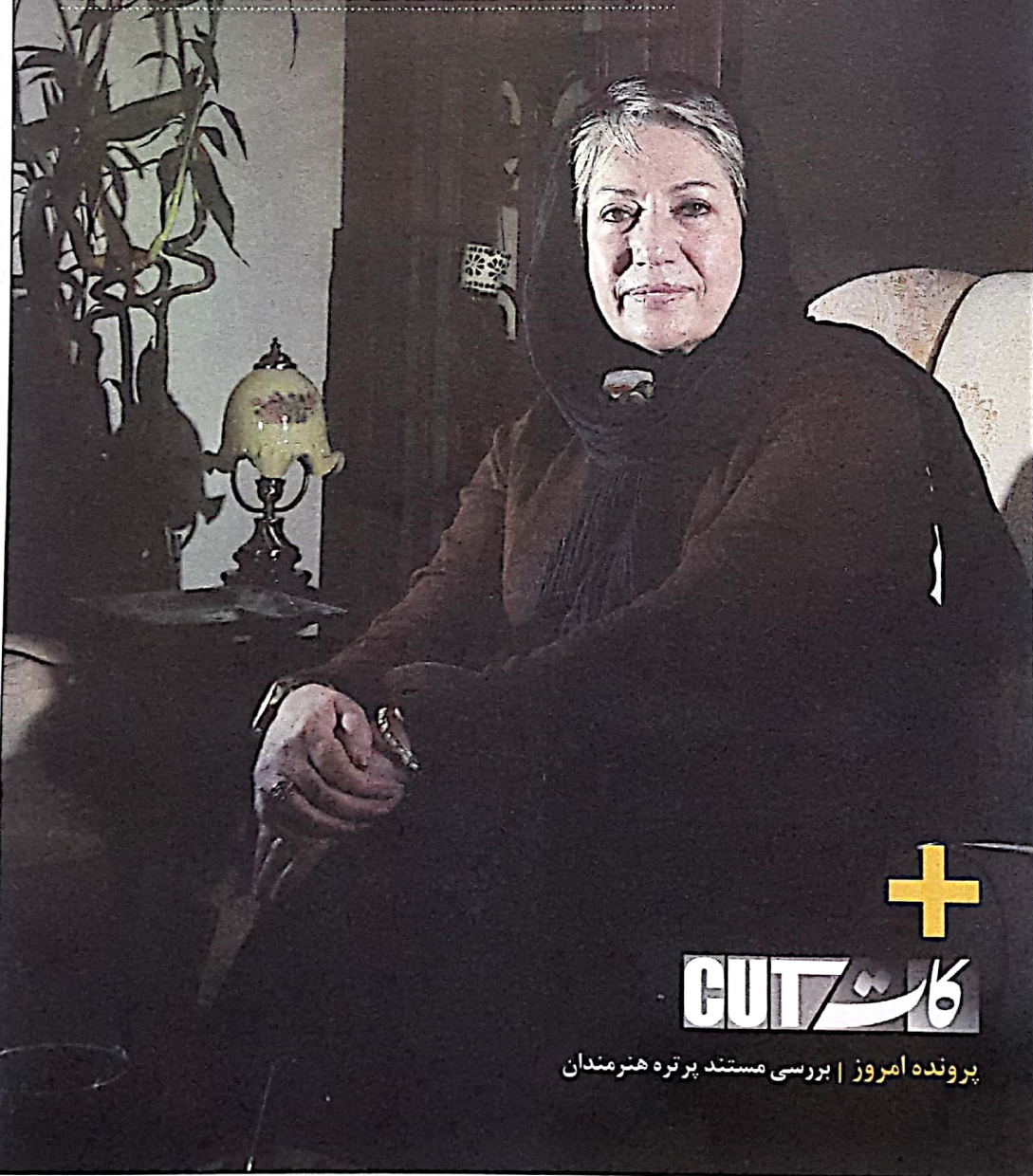


بانوی اردیبهشت و سینما حقیقت

The May Lady

in an Exclusive Interview with Cinema Verité

گفت و گوی کیوان کثیریان با رفشان بنی اعتماد درباره آثار مستند کارنامه اش
Keyvan Kasirian's Interview with Rakhshan Bani Etemad about Her Documentary Films



ارزشمندی پرتره هنرمند در زمان حیاتش

گفت و گو با جمشید مشایخی
درباره مستند پرتره

مستند از نگاه

متخصصان

انگلیسی و آلمانی

گزارشی از کارگاه های تخصصی
روز پنجم

04

... و ناگهان ممد نبود!

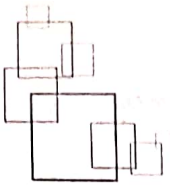
روایت شهروز توکل از ریشه یابی
محبوب ترین و نوستالژی یک ترین
نوحه دفاع مقدس

«ممد نبود بی بی، شهر آزاد گشته». فکر می کنید بتوان کسی را پیدا کرد که تا به حال این نوحه معروف را نشنیده باشد؟ نوحه ای که با تاریخ دفاع مقدس گره خورده است و یادآور روزهای تلخ و شیرین آزادسازی خرمشهر است. شهروز توکل با هوشمندی در مستند «ممد نبود» به سراغ ریشه یابی این آهنگ معروف زمان جنگ رفته است. توکل با همراهی یک تیم حرفه ای مستندش را ساخته «ممد نبود» چگونه ساخته شد؟ این سئوالی که توکل به آن پاسخ می گوید.

12

کاش + GUT

پرونده امروز | بررسی مستند پرتره هنرمندان



امیدواری مستندسازان به آینده‌ای روشن

گزارشی از مال‌وهوای پنجمین روز جشنواره سینماحقیقت در چند سیلما نمایش دهنده فیلم‌های مستند و گفت‌وگو با چند مستندساز جوان درباره وضعیت فیلم‌ها در جشنواره امسال

hematimahsa@gmail.com

مجلس هفتم

هر چه به روزهای پایانی جشنواره سینماحقیقت نزدیک می‌شویم سالن‌های سینما شلوغ‌تر می‌شوند. طبیعتاً پنجمین روز جشنواره سینماحقیقت هم از روزهای دیگر شلوغ‌تر بود، اما در بین سینماهای نمایش دهنده فیلم‌های جشنواره، سینما سپیده حال‌وهوای دیگری داشت. «ناصر ملک‌مطیعی» میهمان ویژه این سینما بود. این بازیگر قدیمی سینما که این روزها بعد از سال‌ها به سینما برگشته برای تماشای مستند «خانه» به سینما سپیده آمده بود. حضور ملک‌مطیعی باعث شده بود سالن سینما آنقدر شلوغ شود که مسئولان صندلی‌های اضافه‌ای در حاشیه سالن برای مردم بگذارند.

تفاوت مستندسازان جوان تهرانی و شهرستانی

این روزها، روزهای ویژه‌ای برای مستندسازان جوان است. آنها هر روز با حضور در سینما فلسطین به تماشای مستندهای فیلمسازان دیگر و رقبايشان در بخش‌های مختلف جشنواره می‌نشینند. «عزت‌الله پروازه» یکی از این فیلمسازان است که با فیلم «عروسک کاموایی» در بخش بین‌الملل و ملی در این جشنواره شرکت کرده به نظر او کارگاه‌های آموزشی که در حاشیه جشنواره گنجانده شده‌اند یکی از بهترین برنامه‌های این دوره از جشنواره سینماحقیقت است. پروازه معتقد است که شرایط فیلمسازی برای کارگردانان یکسان نیست، چراکه فیلمسازان تهرانی به‌واسطه ارتباطی که می‌توانند با مستندسازان پیشکسوت داشته باشند شرایط کار برایشان آسان‌تر است. او می‌گوید: «شرایط کار برای تهرانی‌ها بهتر از شهرستانی‌ها است، در تیتراژ فیلم بسیاری از آنها نام فیلمسازان بزرگ به عنوان مشاور دیده می‌شود. در حالی که مستندسازان جوان شهرستانی بیشتر به خود متکی هستند.» البته نگاه پروازه به این اختلافات زیاد هم منفی نیست، چون معتقد است گاهی همین محرومیت‌ها باعث بروز خلاقیت‌های بسیاری می‌شوند.

افق روشن پیش‌روی فیلمسازان

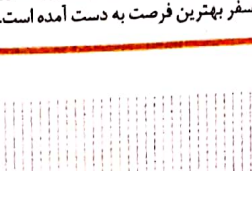
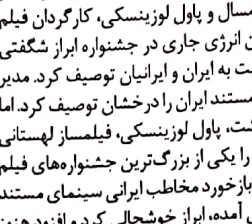
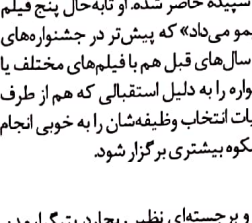
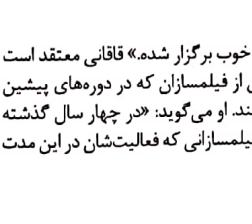
درست است که مقر اصلی جشنواره سینماحقیقت، فلسطین است اما مستندسازان جوان فیلم‌هایی که در دیگر سینماهای جشنواره نمایش داده می‌شود را هم از دست نمی‌دهند. «خدایار قاقانی» برای نمایش اولین مستند بلندش «خانه» که در بخش مسابقه ملی شرکت دارد به سینما سپیده آمده. او هم مانند دیگر فیلمسازانی که در جشنواره حضور دارند هفتمین دوره جشنواره سینماحقیقت را یکی از بهترین دوره‌های این فستیوال که تا به حال برگزار شده می‌داند. او که طی این پنج روز به تماشای فیلم‌های بسیاری نشسته می‌گوید: «ممکن است فکر کنید چون فیلم خودم در بخش مسابقه شرکت داده شده از این جشنواره تعریف می‌کنم اما به عنوان یک مخاطب می‌گویم که این دوره بسیار خوب برگزار شده.» قاقانی معتقد است نوع نگرش مسئولین این دوره از جشنواره یکی از نکات مثبت آن است، چراکه بعضی از فیلمسازان که در دوره‌های پیشین مورد غضب واقع شده و به آنها بی‌توجهی شده بود، توانستند در این دوره شرکت کنند. او می‌گوید: «در چهار سال گذشته محدودیت بسیاری برای فیلمسازان وجود داشت اما الان فضای کار کمی بازتر شده و فیلمسازانی که فعالیت‌شان در این مدت کم شده بود حالا با اطمینان خاطر بیشتری به کار برگشته‌اند.»

جشنواره سینماحقیقت؛ پرشور تر از همیشه

«زاده بیزار گیتی» از دیگر مستندسازانی است که برای اکران فیلم خود در سینما سپیده حاضر شده. او تا به حال پنج فیلم مستند با موضوعات مختلف ساخت و حالا با آخرین فیلم خود «سپیده‌دمی که بوی لیمو می‌داد» که پیش‌تر در جشنواره‌های مختلف جوایزی دریافت کرده بود، در این فستیوال شرکت کرده بود. این دوره از جشنواره سینماحقیقت شرکت کرده بود، این دوره از جشنواره را به دلیل استقبالی که هم از طرف فیلمسازان و هم مخاطبین شده، پرشورتر از تمام دوره‌های پیشین می‌داند. به نظر او هیأت انتخاب وظیفه‌شان را به خوبی انجام داده‌اند و با گزینش‌های به‌جا و درست باعث شدند تا جشن یک‌ساله سینمای مستند باشکوه بیشتری برگزار شود.

نگاه مشتاق میهمانان خارجی به جشنواره

امروز در میان میهمانان خارجی هفتمین جشنواره سینماحقیقت، سینماگران مطرح و برجسته‌ای نظیر ریچارد پتیگرا، مدیر موسسه باستان‌شناسی و جشنواره فیلم و ویدئو آمریکا و عضو هیأت داوران جشنواره امسال و پاول لوزینسکی، کارگردان فیلم «پدر و پسر» حضور داشتند. پتیگرا در گفت‌وگو با نشریه روزانه جشنواره از میزان انرژی جاری در جشنواره ابراز شگفتی کرد و نخستین سفرش به ایران را لریز از کشف نکات تازه و تجربه‌های متفاوت نسبت به ایران و ایرانیان توصیف کرد. مدیر موسسه باستان‌شناسی آمریکا همچنین در بخشی از صحبت‌های خود آینده سینمای مستند ایران را درخشان توصیف کرد. اما میهمان دیگری که دیشب برای اکران هم‌زمان فیلمش در سینما فلسطین حضور داشت، پاول لوزینسکی، فیلمساز لهستانی بود. لوزینسکی که از سفر به ایران بسیار هیجان‌زده بود، جشنواره فیلم سینماحقیقت را یکی از بزرگ‌ترین جشنواره‌های فیلم مستند دنیا عنوان کرد و اعلام داشت بی‌صبرانه در انتظار نمایش فیلمش است تا بتواند باز خورد مخاطب ایرانی سینمای مستند را در مورد اثر اخیرش ارزیابی کند. این فیلمساز لهستانی از این که به این سفر اکتشافی آمده، ابراز خوشحالی کرد و افزود هنوز چیزهای بسیار زیادی هست که باید در مورد سینمای مستند ایران کشف کنم و این سفر بهترین فرصت به دست آمده است.



نگاه اول



چرا جشنواره سینماحقیقت مهم است

مجتبا رایی / داور جشنواره

جشنواره در ذات خود کارکردی آینه‌وار دارد فرصتی برای فیلمسازان تا قد و قواره واقعی خود را در مقایسه با دیگر هم‌تایان خود ببینند و به ارزیابی مناسبی از خود و کیفیت اثری که خلق کرده‌اند، برسند. جشنواره سینماحقیقت نیز از این تعریف جدا نیست. مستندسازان از یک‌سوی می‌توانند شناخت مناسبی از سینمای مستند معاصر پیدا کنند و از سوی دیگر به شناخت درستی درباره خود در مقایسه با دیگر حاضران جشنواره برسند. شرکت در جشنواره سینمای مستند شرط لازم برای بهبود کیفی آثار فیلمسازان جوان است. یک فرصت ایده‌آل که نباید مستندسازان ما آن را از دست بدهند. جشنواره مستند مزیت دیگری نیز دارد. بسیاری از فیلمسازان جوان ما اعتمادبه‌نفس ارائه آثار خود را برای نمایش‌های عمومی ندارند. جشنواره به آنها کمک می‌کند که آثارشان را به نمایش بگذارند، نقدهای دیگران را در باره اثر خود بشنوند و عکس‌العمل‌ها را ببینند و این طریق شناخت و اعتمادبه‌نفس لازم را به دست بیاورند. جشنواره سینماحقیقت همچنین محلی برای کشف استعدادها و ناب است. از میان تعداد زیادی از فیلمسازان جوان فعال در حوزه مستند تنها تعداد معدودی از آنها استعداد حقیقی در این عرصه محسوب می‌شوند. جشنواره سینماحقیقت فرصتی است برای کشف این استعدادها و اعطای میدان عمل وسیع‌تر و شاید حتی سرمایه‌گذاری بیشتر بر روی آثارشان. همه این‌ها را گفتم تا جایگاه بلند این جشنواره را مشخص کنیم، اما در کنار همه این امتیازات جشنواره سینماحقیقت برای من شخصا یک ویژگی ناب دیگر هم دارد و آن اجتماع کهنه‌کارها و هنرمندان این رشته در کنار جوانان جویای نام و بالاستعداد است. این حضور توانمند و این انتقال پرشور و آیینی تجربه‌ها، نوید آینده درخشان سینمای مستند ایران است.

The Importance of 'Cinem Verité' Festival

Festival functions as mirror in its own nature. It creates an opportunity for filmmakers in order to see their real abilities in comparison with their fellows. The Cinema Verite Iran Documentary Festival can be concluded in this definition. Filmmakers can achieve recognition oneself with the other participants. It is necessary for our young filmmakers to take part in Documentary Film Festival in order to improve the quality of their works.

Mojtaba Rael, Festival Jury Member



Feltrin & Sepihen Theaters سینما حقیقت
Tehran 10-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
۱۹ تا ۲۶ آذر ۱۳۹۲ تهران
سینما فلسطین - سینما سپیده

شماره چشم
بکشمبه ۲۴ آذر ماه ۹۲



مهدی میرزا مقدسیان

بعضی از مدیران، که معمولاً سفارش تولید فیلم می‌دهند، وسعت دیدشان تا نوک دهانشان است و صلاح کل را تشخیص نمی‌دهند. نمی‌دانند به چه چیزهایی باید توجه کنند، ولی مستندساز آینده‌نگر است. اگر چنین مدیرانی به‌سنتها تولید فیلمی بدهند، من فوراً رله نمی‌کوم. دو سه هفته فرصت می‌خواهم تا روی کار متمرکز شوم. اکثر بیزنم خودم را در آن کار پرداختم، یعنی مجالی برای هملانگ شدن اردنهای من پسان موضوع پیدا شون، حتماً می‌پذیرم که فیلم را باسرام



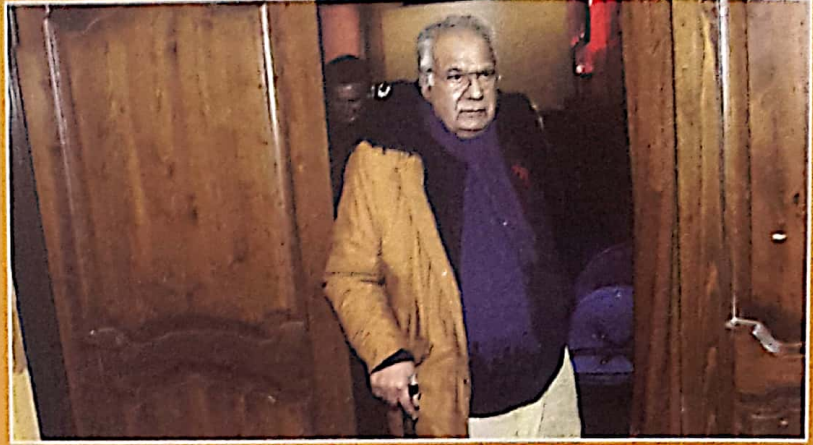
ابراهیم مختاری

سینمای مستند ایران همواره نیازمند برگزاری جشنواره‌های تخصصی بود و جشنواره سینماحقیقت در سینمای ایران، به این نبار پاسخ می‌دهد و امیدوارم سال به سال نقش بزرگ‌تری پیدا کنند. ضمن این‌که در خصوص نمایش فیلم‌های مستند ایرانی و با توجه به استقبال گسترده‌ای که از این آثار به عمل آمد، سالان بزرگ‌تری به نمایش فیلم‌های ایرانی مثل سالن شماره یک سینما فلسطین اختصاص داده شود که پاسخگوی شمار علاقه‌مندان باشد.



ابراهیم فروزش

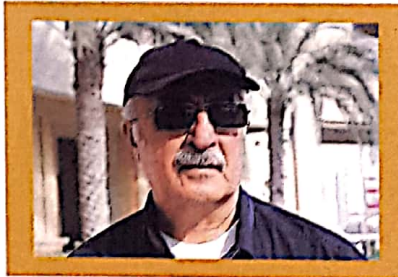
یکی از مهارت‌های غیرقابل انکار در کارنامه کاری فیلمسازان به‌رغمندی از ذات سینمای مستند در عرصه کارگردانی است از همین رو بسیاری از فیلمسازان مطرح سینمای ایران کار خود را با سینمای مستند آغاز کرده‌اند به‌منحصر به سینمای مستند علاقه دارم، چراکه این نوع سینما زایل واقع‌گرایانه دارد سینمای مستند در برخورد با پدیده‌ها، فناوری‌های خالص و دست‌نخورده نشان می‌دهد و برخلاف سینمای داستانی که ساختار و فلسفای در آن حرف اول را می‌زند؛ اما سینمای مستند سعی دارد ولایت محض را نشان دهد.



«فرمون» میهمان ویژه سینما حقیقت

ناصر ملک‌مطیعی یکی از میهمانان روز گذشته جشنواره سینما حقیقت بود که با حضورش در سینما سپیده حال و هوای پنجمین روز این جشنواره را تغییر داد. او که در فیلم مستند «خانه» به کارگردانی «خدایار قافانی» شرکت داشته به همراه «نصر تاله وحدت» کم‌دین قدیمی ایران برای تماشای این فیلم به سینما آمد. در بین عموم، جوانان هستند که علاقه بسیاری به سینما دارند، اما حضور ملک‌مطیعی در سینما سپیده باعث شد این بار سالن سینما مملو از جوانان دهه پنجاه شود. هواداران این بازیگر قدیمی که اکثر اهل سن و سال ملک‌مطیعی بودند، برای دیدن او به سینما سپیده آمدند تا بعد از تماشای فیلم بتوانند با بازیگر محبوب‌شان به گفت‌وگو بپردازند. مستند «خانه» در باره عمارت قدیمی «میرزا حسن مستوفی الممالکی» از مردان خوشنام تاریخ قاجار است. این عمارت، لوکیشن اصلی سریال معروف «سلطان صاحبقران» است و حضور ملک‌مطیعی در مستند خانه به واسطه بازی‌اش در نقش «امیر کبیر» در همین سریال است. مشروح گزارش حضور ناصر ملک‌مطیعی و گفت‌وگو با او را در شماره بعدی نشریه روزانه بخوانید.

روزی که مستندساز شدم



کامران شیردل مستندساز مطرح کشورمان روز گذشته در کتون فیلم و عکس دانشگاه شهیدبهشتی در جمع دانشجویان حاضر شد و حرف‌های جالبی درباره فیلمسازی‌اش عنوان کرد. بخشی از گفته‌های او را می‌خوانید: «در مدت تحصیل در دانشکده سینمای رم افتخار آشنایی با استادی چون «روبرتو روسلینی»، «جزارزواتینی»، «پیر پائولو پازولینی»، «میکل آنجلو آنتونیونی»، «فدریکو فلینی»، «روبر برسون» و «رناردو برتولوچی» را داشتم. پس از تحصیل به عنوان دستیار چند «جان هوستون» در فیلم «کتاب آفرینش» آغاز به کار کردم شرایط اولیه کار در ایتالیا فراهم بود اما عشقم به ایران همیشه بوده و همچنان اتمه دارد. بنابراین بازگشتم. هیچ‌وقت در آن مدرسه، ما را برای مستندسازی آماده نکردند و همیشه به ما ساخت فیلم داستانی را یاد می‌دادند. هنگامی که به ایران آمدم، مستندساز نبودم شاید علاقه خاصی هم به مستندسازی نداشتم اما به دلیل نگرش خودادام به این سمت رفتم.

«جدایی» برای سومین بار



«از ایران یک جدایی» از جمله مستندهای پر مخاطب جشنواره بود که موقع نمایش به خاطر استقبال زیاد خیلی‌ها آن را ایستاده تماشا کردند. به خاطر این استقبال و درخواست مخاطبان برای بازپخش آن، مسئولان برپایی جشنواره تصمیم گرفتند این فیلم را یکبار دیگر پخش کنند. شما هم اگر موفق به دیدن این اثر نشداید می‌توانید آن را در سالن شماره ۲ سینما فلسطین تماشا کنید. «از ایران یک جدایی» تنها مستندی است که تا الان سه بار نمایش داشته است. این فیلم به کارگردانی آزاده موسوی و کوروش عطایی بازنایب جایزه اسکار فیلم فرهادی در جامعه را به تصویر کشید. در این فیلم چهره‌های مطرحی درباره موفقیت فرهادی صحبت کرده‌اند. فیلمسازان در خلال این گفت‌وگو سراغ مردم هم رفتند. برنام نمایش فیلم‌های جشنواره از ساعت ۹:۳۰ دقیقه امروز با نمایش مستند «در ستایش ۷۰ سالگی» به کارگردانی ابراهیم حقیقی آغاز می‌شود.

فردا در نشریه روزانه می‌خوانید

07

کاور استوری
گفت و گو با
داوران خارجی
جشنواره هفتم



10

سینمای ایران
بررسی فیلم‌های
«چله» و
«این جمعه»



06

گزارش
آخرین اخبار
راختنامه
جشنواره فیلم حقیقت



Sociological View Point

The morning workshop was held on the subject of 'Creative Usage of Archive in Documentary Film' with the presence of Teresa O'Brien, member of the Selection Committee in London Open City Festival. She is graduated in Anthropology and recognizes documentaries directly related to sociological films.



هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
 Felstein 8 Sepideh Theaters
 Tehran 10-17 Dec 2013
 The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
 سینما للسلطن - سینما سیدیه تهران ۱۳ آذر ۹۲

مستندسازی از دیدگاه جامعه‌شناسانه

اهمیت استفاده خلاقانه از آرشیو در فیلم مستند روز گذشته عضو هیات انتخاب جشنواره اوپن سیتی لندن بررسی شد

موضوع سمینار آموزشی: استفاده خلاقانه از آرشیو در فیلم مستند توسط ترزا اوپربایان
 مهمان: ترزا اوپربایان، عضو هیات انتخاب جشنواره اوپن سیتی لندن

بامداد نامی

nami.bamdard62@yahoo.com

گریبانگیر خیلی از فیلمسازها شده است. یک ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید: «تاریخ را فاتحان می‌نگارند» به نظر اوپربایان تاریخ سینما را هم فاتحان می‌نگارند. کسانی که آرشیوها را در قالب خلاقیت فتح می‌کنند فاتحان تاریخ سینما هستند، خانم اوپربایان می‌گوید: «ما در دورای زندگی می‌کنیم که همه اعمال ما تحت‌نظر دوربین‌هاست و رسانه‌ها اخبار را در صدم ثانیه مخابره می‌کنند، مردم به راحتی می‌توانند از خودشان فیلم بگیرند و روی یوتیوب بگذارند اما باید به این نکته توجه داشت که با تمام این مسائل خیلی از تصاویر مهم ثبت نمی‌شوند. ما باید به این اتفاقات بیشتر توجه داشته باشیم.»

حفاظت از کابوس‌ها

مستند بعدی که در این کارگاه به نمایش درآمد از «آدام کرتیس» بود. مستندی که قدرت کابوس را در شبکه جهانی BBC به نمایش درآورد. این مستند با استفاده از تصاویر آرشیوی نشان می‌دهد که چگونه دولت‌های غربی از تروریسم برای ارباب مردم استفاده می‌کنند. در این فیلم سیاستمداران مدیرانی معرفی می‌شوند که به جای وعده زندگی بهتر، وعده حفاظت از کابوس‌ها و خطرات غیرقابل‌روت مانند تروریسم را می‌دهند. در این مستند کرتیس از خود رسانه علیه رسانه استفاده می‌کند. آدام کرتیس کل محتوای سینما را در این «Contest» در نظر گرفته است. به همین دلیل در این فیلم روانشناس از این تصاویر برای درمان کابوس‌های جمعی استفاده می‌کند.

درمان عذاب وجدان

مستند آخری که در این کارگاه به نمایش درآمد «رقص والتز با بشیر» بود. این مستند ۹۰ دقیقه‌ای که به شکل انیمیشن ساخته شده بود، داستان یک سرباز انگلیسی بود که به خاطر حضورش در فجایع و جنگ‌های لبنان و فلسطین دچار عذاب وجدان می‌شود و خودش را با دسترسی به تصاویر گذشته توسط رواندرمانگر درمان می‌کند.

تا قبل از صنعتی شدن انگلستان را نمایش دهد. موسیقی متن این فیلم با شروع فعالیت‌ها، تندتر و هدفمندتر می‌شود و مخاطب را به درک بیشتر وامی‌داشت. این فیلم از نظر خانم اوپربایان یکی از مهم‌ترین فیلم‌های این کارگاه بود، چراکه با ارائه چند تصویر آرشیوی کارگردان و یک گروه موسیقی، تاثیر موردنظرش را روی مخاطب می‌گذاشت. ترزا اوپربایان این فیلم را نمونه‌ای خلاقانه به شمار آورد و گفت: «مهمترین هدف بنی ویلکاک از ساخت این فیلم، تساوی نقش زن و مرد در شکل‌گیری انقلاب صنعتی بوده؛ این که زنان هم پایه‌های مردان توانستند در تاریخ انگلستان موثر باشند. این فیلم چند ماه پیش برنده جایزه (Film Institute) BFI (British) شد.»

تغییر معانی، هدف را تغییر می‌دهد

فیلم دومی که در این کارگاه بررسی شد، «1900 Paris» بود. این فیلم فرانسوی به کارگردانی Nicole Verdes Verdes زندگی مردم را به سبک بورژوازی نشان می‌داد. این فیلم با هدف تغییر معانی و ارزش‌ها در مستندسازی نمایش داده شد؛ به این مفهوم که معنی و ارزش بورژوازی در گذشته و حال به طور کامل تغییر کرده. کارگردان این فیلم می‌دانست که تصاویر مستند سال ۱۹۰۰ در بین مردم ارزش گذشته را ندارند و مردم بورژوازی را پذیرفته‌اند. ترزا اوپربایان معتقد است که ما در سایه آرشیو قرار گرفته‌ایم و این مسئله

کارگاه استفاده خلاقانه از آرشیو در فیلم مستند صبح روز گذشته در موسسه فرهنگی هنری صبا، برگزار شد. «ترزا اوپربایان» ایرلندی‌تبار و ساکن انگلیس است. او که در زمینه مردم‌شناسی تحصیل کرده است فیلم مستند را از فیلم جامعه‌شناسانه جدا نمی‌داند. خانم اوپربایان اولین مهمان این کارگاه بود که سر ساعت در جلسه حاضر شد و بدون هیچ گونه تاخیری شروع به سخنرانی کرد. اداره این جلسه با دکتر بهمن نورایی بود.

آرشیوها چه می‌کنند؟

در بخش اول سخنرانی، ترزا اوپربایان درباره ریشه لغوی آرشیو (Arkhan) صحبت کرد. آرخن‌ها کسانی بودند که اطلاعات قدیمی زبان را جمع‌آوری می‌کردند. ترزا اوپربایان آرشیو را با دو کلمه احضار روح و خالق معنا می‌کند که منظور از احضار روح در اینجا احضار روح گذشته به حال یا آینده است.

نمایش یک اثر خلاقانه

در بخشی از این کارگاه، فیلمی مستند به کارگردانی «پنی ویلکاک» درباره فرهنگ انگلستان به نمایش درآمد. این فیلم روایتی از تاریخ بریتانیا تا پیش از آغاز جنگ جهانی دوم بود. این فیلم با تصاویر نامربوط و پراکنده‌ای از دریا و مردان و بچه‌های تنها شروع می‌شد و می‌خواست درماندگی مردم



کارگاه
 شماره ششم
 یکشنبه ۲۴ آذرماه ۹۲

From Preproduction to Release

'From Pre-production to Release' was the subject of the evening workshop held in Saba Cultural and Art Institute yesterday. Klaus Steinbach talked about the subject and the difference between German cinema and Iranian documentaries. He also expressed the worries of German TV channels about epidemic influence of the Internet.



شبکه‌های آلمانی نگران همه گیر شدن اینترنت

استاد کلاوس اشتاین‌یک در کارگاه «از پیش تولید تا پخش، درباره سینمای مستند آلمان و تفاوت‌هایش با مستندهای ایرانی توضیح داد

موضوع سمینار: از پیش تولید تا پخش
مهمان: استاد کلاوس اشتاین‌یک

مریم امیرپور

maryamamirpour@gmail.com

دانشجویان از او خواستند که بیشتر راجع به سینمای مستند ایران راه‌حل بدهد تا این‌که در مورد سینمای مستند آلمان صحبت کند. اشتاین‌یک درباره این موضوع گفت: «من در ایران زندگی نمی‌کنم و نمی‌دانم که شرایط به چه گونه است؛ اما می‌دانم که با آگاهی از این‌که در سینمای مستند سراسر دنیا چه اتفاقی می‌افتد می‌توان معیار درست‌تری پیدا کرد.»

جلب مخاطب؛ دغدغه فیلمسازان

۴۰۳۰ سال پیش دغدغه تلویزیون، آموزش بود اما با گذشت زمان وجه سرگرمی تلویزیون بر وجه دیگر قالب شده است. مهمترین معیار فیلمسازان تلویزیون‌های آلمان، جلب مخاطب است و خدا نکند که برای برنامه‌ها نتوانی مخاطبی جذب کنی. این روزها آلمان‌ها بیشتر تلویزیون نگاه می‌کنند. جوانانی که در ده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال هستند، روزانه به‌طور متوسط ۱۵۰ دقیقه تلویزیون نگاه می‌کنند؛ اما وقتی این رده سنی به ۶۰ تا ۷۰ سال می‌رسد این زمان دو برابر می‌شود چیزی حدود ۳۰۶ دقیقه.

تاسیس شبکه‌های جدید برای جوانان

چند سال پیش در تلویزیون آلمان فیلم‌های سه‌بعدی بسیار مورد توجه قرار گرفت و قرار بود مستندسازان بیشتر در این زمینه فعالیت کنند؛ ولی این حوزه علاقه‌مندان زیادی پیدا نکرد. سردبیرهای اصلی شبکه‌های آلمانی از مورد توجه قرار گرفتن اینترنت بین جوانان ابراز نگرانی کرده است. این نگرانی به دلیل از دست دادن سلطه روی مردم اتفاق می‌افتد و ممکن است با این موضوع سلطنت خود را از دست بدهند. به همین دلیل دو شبکه ZDF و ARD در حال تاسیس شبکه‌هایی برای جوانان هستند.

سینمای مستند و داستانی در آلمان نشان داد. با استناد به این نمودارها به این نتیجه رسید که آلمانی‌ها به اندازه زیاد مستند نگاه می‌کنند و در این رابطه در وضعیت بدی قرار ندارند: «جالب اینجاست که هزینه ساخت مستند نسبت به فیلم‌های داستانی در آلمان بسیار پایین است و به همین دلیل به بودجه چندانی نیاز نیست. شاید به همین دلیل باشد که آلمانی‌ها بیشتر به مستندسازی روی آورده‌اند. اتفاق جالبی که به تازگی در سینمای مستند آلمان افتاده، توجه سرمایه‌گذاران به این حرفه است. شاید خنده‌تان بگیرد؛ اما با توجه به آمارهایی که گرفته شده و من به آن‌ها رسیده‌ام، آلمانی‌ها به مستندهایی که کشور آلمان را از بالا نشان می‌دهد علاقه بیشتری دارند و نسبت به دیدن آن‌ها بیشتر ترغیب می‌شوند که این اتفاق هم بد نیست.»

آگاهی از مستند دنیا

در آلمان فیلمی به نام «Taste a waste» در مورد محیط‌زیست ساخته شده بود که باعث شده بود ۵۰ هزار تماشاچی برای دیدنش به سینما بروند. این موضوع برای همه جالب است و همین اهمیت مستند را در زندگی مردم این کشور می‌رساند. در بین صحبت‌های استاد اشتاین‌یک، برخی از مستندسازان و

«از پیش تولید تا پخش» عنوان کارگاه آموزشی بود که روز گذشته از ساعت ۱۴ با حضور استاد «کلاوس اشتاین‌یک» در موسسه فرهنگی هنری صبا برگزار شد. اشتاین‌یک بعد از ۳۵ سال پیگیری فیلم مستند در سراسر جهان از جمله آلمان به جشنواره سینما حقیقت آمد تا تجربیاتش را در اختیار علاقه‌مندان به مستند قرار دهد.

محدودیت عنصر زیبایی‌شناسی

به گفته اشتاین‌یک فیلم مستند در آلمان بسیار رایج است و طبق یکی از قوانین اقتصاد هر چه عرضه بیشتر شود، تقاضا کم و قیمت هم پایین می‌آید. به همین دلیل قیمت فیلم‌های مستند در آلمان پایین است. این موضوع باعث رقابت خاصی بین مستندسازان آلمانی شده. از طرف دیگر عنصر زیبایی‌شناسی هم در فیلم‌های مستند محدود شده. قبل از اینکه یک فیلم مستند ساخته شود باید مخاطب‌شناسی کنیم تا زمان کمتری برای ساخت این مستندها صرف شود. هر چه ابزار زیبایی‌شناسی ساده‌تر، روان‌تر و معمولی‌تر باشد تلویزیون‌های دولتی بیشتر از آن‌ها استقبال می‌کنند و اگر این ابزار خاص‌تر و پیچیده‌تر باشند تلویزیون آن‌ها را رد می‌کند.

پایین بودن هزینه مستند نسبت به داستانی

در این سخنرانی اشتاین‌یک چند نمودار راجع به





Criticism of Art, Music and Constitution

The 4th review meeting of the 7th Cinema Verite Festival was held yesterday. Three films of the festival were reviewed in this meeting with the presence of Maziar Fekri Ershad, as film critic. Mohammad Reza Jahanbakhsh with 'Bright Shadows', Hasan Naghashi with 'Discovery of Constitution' and Arash Raelian with 'After Forget' were also present as the film directors. Fekri Ershad mentioned although 'Bright Shadows' is about a person who lives abroad, it was very good to know him through this film.

نقد هنر، موسیقی و مشروطه

چهارمین نشست نقد و بررسی جشنواره سینما حقیقت، به فیلم‌های «سایه‌های روشن»، «شاهجهان» و «بعد از فراموشی» اختصاص داشت.

(هزا لیلی)

خلع سلاح منتقد

بعد از فراموشی
مجری: حمیده کیهان پیردهی
کارگردان: آرش رئیسین
منتقد: ماز یار فکری ارشاد
موضوع مستند: چگونگی خلق اثر موسیقایی و طلمن ساخته پیمان سلطانی که در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده.

جلسه نقد و بررسی سومین فیلم شب گذشته با صحبت‌های گلابه امیر آرش رئیسین، کارگردان «بعد از فراموشی» به پایان رسید. او درباره شرایط نامناسب و تحمیلی بودن روند ساخت فیلم از سوی تهیه‌کننده صحبت کرد.

آرش رئیسین: پیمان سلطانی از قبل با من آشنایی داشت و برای ترانه «و طلمن» که سال‌ها پیش ساخته خواست یک فیلم شناسنامه‌ای برایش بسازم. او گفت مردم درباره این ترانه اطلاعات غلط دارند و خیلی‌ها فکر می‌کنند این اولین سرود ملی است. من خیلی در انتخاب مصاحبه‌شوندگان دخالت نداشتیم و این خواست تهیه‌کننده کار بود که با آن‌ها مصاحبه کنم. روند ساخت فیلم تا حدود زیادی به من تحمیل شده بود. با این که فیلم را دوست دارم اما اگر همه چیز به خواست من بود می‌گذاشتم قضاوت بر عهده خود مخاطب باشد. بخش زیادی از فیلم با رودرپاستی ساخته شد، البته هدف تهیه‌کننده این بود که حقانیت خودش را ثابت کند و می‌خواست افراد معترض‌تر زیادی در این باره صحبت کنند. اما این رودرپاستی‌ها مخمصه‌ای شد که من را در تله انداخت و نتوانستم کاری بابت آن انجام بدهم.

مازیار فکری ارشاد: در فیلم‌های مستند، المان‌های ثابتی وجود دارد که همه استفاده می‌کنند مانند نظر کارشناسان درباره آن موضوع ولی تمایز این فیلم با فیلم‌های دیگر این بود که سراغ کارشناسی رفته بودند که در تصور اول به موضوع بی‌ربط بودند مانند شاعران و نویسندگان. اما بعد متوجه می‌شوید که این کارشناسان چه اطلاعات خوب و لازمی به مستند می‌دهند. در این فیلم هماهنگی میان تصویر و موسیقی به خوبی اتفاق افتاده بود. این حق را به من بدهید که وقتی خود فیلم‌ساز پای فیلمش نمی‌ایستد و آن را فیلم خودش نمی‌داند، طبیعتاً من خلع سلاح می‌شوم و دیگر حرفی نمی‌توانم بزنم.

کشف مشروطه از داخل بالش

شاهجهان
مجری: حمیده کیهان پیردهی
کارگردان: حسن نقاشی
منتقد: ماز یار فکری ارشاد
موضوع مستند: نگاهی به زندگی پرویز شاهجهان، یکی از موسسین بانک ملی ایران و از مشروطه‌خواهان یزدی.

«شاهجهان» بهترین فیلم جلسه به‌زعم منتقد و پانزدهمین فیلم حسن نقاشی است که با استقبال زیادی مواجه شد و مخاطبان دوست داشتند درباره آن بیشتر با کارگردان صحبت کنند.

حسن نقاشی: مشروطه در یزد همانند دیگر شهرها رونق نداشت، اما کسانی مانند پرویز شاهجهان بودند که می‌خواستند مشروطه را زنده نگاه دارند. دوست و همسایه‌ای در یزد داشتم که در ایران زندگی نمی‌کرد و یکبار وقتی به یزد آمده بود به من پیشنهاد داد درباره پرویز شاهجهان فیلمی بسازیم. من و او هیچ نوع اطلاعاتی نداشتیم؛ نه خانواده‌ای از او پیدا کردیم و نه اسناد و مدارکی. به شکل خیلی ناگهانی توانستم بالشی را پیدا کنیم که تمام نامه‌ها و عکس‌های شاهجهان در آن بود. وقتی می‌خواستیم شروع به ساخت این مستند کنیم با خودم فکر کردم باید اتفاق جدیدی در این مستند بیفتد. آن چیزی که ما از مشروطه می‌دانیم در کتاب‌های مدرسه خوانده‌ایم و فیلم‌هایی که در این زمینه ساخته شده‌اند هم مانند همان کتاب‌ها هستند. برای همین به دنبال قصه بودم، این که مخاطب با شخصیت فیلم گره بخورد و تصمیم گرفتیم ابتدای فیلم کاملاً مبهم باشد.

مازیار فکری ارشاد: به نظر من این فیلم از هر سه اثری که قرار است در جلسه امشب نقد و بررسی کنیم، بهتر است. بازسازی‌ها و تصویرسازی‌های خوبی در فیلم انجام شده و مشخص است که کارگردان وقت زیادی گذاشته و خلاقیت به خرج داده است. البته در فیلم از تصاویر آرشیوی هم به اندازه استفاده کرده بودند. به نظر من یکی از مضامین سینمای مستند این موضوع است که وقتی از مستندساز می‌پرسیم چرا به همه جوانب موضوع نپرداختید، او به قرار دادش با سازمان یا فرد مورد نظر اشاره می‌کند و می‌گوید طبق قرارداد این مقدار زمان تعیین شده بود. بهتر است دست فیلمساز را بازگذاریم، چرا باید اصرار بر دقیقه‌های خاص کنیم. این سازوکارها باید در سینمای مستند عوض شوند.

هنرمندی ایرانی از استرالیا

سایه‌های روشن
مجری: حمیده کیهان پیردهی
کارگردان: محمدرضا جهان‌بخش
منتقد: ماز یار فکری ارشاد
موضوع مستند: حسین والامنش هنرمند برجسته ایرانی - استرالیایی بعد از ۳۸ سال برای برگزاری چند جلسه سخنرانی و ورکشاپ به ایران سفر می‌کند و...

چهارمین جلسه نقد و بررسی جشنواره حقیقت به نقد و بررسی سه فیلم ایرانی اختصاص یافت. «سایه‌های روشن» اولین فیلمی بود که با حضور کارگردان در این جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

محمدرضا جهان‌بخش: حسین والامنش را از قبل می‌شناختم. وقتی فهمیدم که قرار است به ایران بیاید تصمیم گرفتم درباره او فیلم بسازم و در فرصت کوتاهی که او به ایران آمد این فیلم را ساختم. تلاش کردم برای شناساندن این شخصیت هنری، ابتدا از آثار خودش استفاده کنم و سپس از نحوه برخورد و ارتباطش با آثار هنری دیگران. برای همین هم قسمت‌هایی از ورکشاپ او را در فیلمم استفاده کردم. در واقع با استفاده از این ورکشاپ می‌خواستیم تأثیر این آدم بر روی دانشجویان و کمکی که به شکل‌گیری ایده آنان می‌کند را نشان دهیم. اگر بودجه و زمان بیشتری در اختیار داشتیم، می‌توانستیم مستند بهتر و کامل‌تری بسازیم.

مازیار فکری ارشاد: سازنده در این فیلم به دنبال شخصیتی رفته که در خارج از کشور بیشتر شناخته شده است. به نظر من فیلم مستندی که قرار است درباره پرتو یک هنرمند باشد از یک جایی به بعد، دچار دوگانگی می‌شود؛ یعنی فیلم به خوبی شروع شده و جلو می‌رود تا زمانی که به بخش ورکشاپ می‌رسیم. در اینجا به نظر می‌رسد فیلم از مسیر اصلی‌اش خارج می‌شود و بعد دوباره به جریان اصلی بازمی‌گردد. به نظر من یکی از نکات مثبت هر فیلمی که در حیطه هنرهای تجسمی ساخته می‌شود داشتن تصاویر شکل است و این فیلم هم آن تصاویر را دارد. ورود به فیلم به خوبی اتفاق می‌افتد و بیننده کنجکاو می‌شود که این هنرمند کیست؟ فیلم به لحاظ ساختاری، تنوع بصری و گرافیکی خیلی خوب است، اما هر چه به سمت بخش‌های ورکشاپ می‌رویم این تنوع بصری کم‌تر می‌شود. در کل این فیلم شناخت خیلی خوبی به کسی مثل من که شناختی از این هنرمند ندارم می‌دهد.

رخشان بنی اعتماد

متولد: ۱۳۳۳ تهران

تحصیلات: کارگردانی

آغاز فعالیت هنری: ۱۳۵۲

فیلم های مستند

روزگار ما ۱۳۸۰

مانیما از جمعیت ایران هستیم ۱۳۸۸

حیات خلوت خانه خورشید ... ۱۳۸۹

آثار سینمایی

خارج از محدوده ۱۳۶۶

زرد فتاری ۱۳۶۷

پول خارجی ۱۳۶۸

نرگس ۱۳۷۰

روسری آبی ۱۳۷۳

بانوی اردیبهشت ۱۳۷۶

باران و بومی ۱۳۷۷

زیر پوست شهر ۱۳۷۹

گیلانه ۱۳۸۳

خون بازی ۱۳۸۵

فرش سه بعدی ۱۳۸۵

قصه ها ۱۳۹۰



افتخارات

گیلانه

بهترین کارگردانی از جشنواره جزایر قناری اسپانیا
بهترین کارگردانی جشنواره دهم دفاع مقدس

خون بازی

تندیس کارگردانی و فیلمنامه جشن خانه سینما
بهترین فیلمنامه از جشنواره فجر

زیر پوست شهر

تندیس بهترین کارگردانی از جشن خانه سینما

بانوی اردیبهشت

سیمرغ بلورین بهترین فیلم بخش بین الملل
فیلم فجر

روسری آبی

سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه جشنواره فجر



دیدار با بانوی اردیبهشت

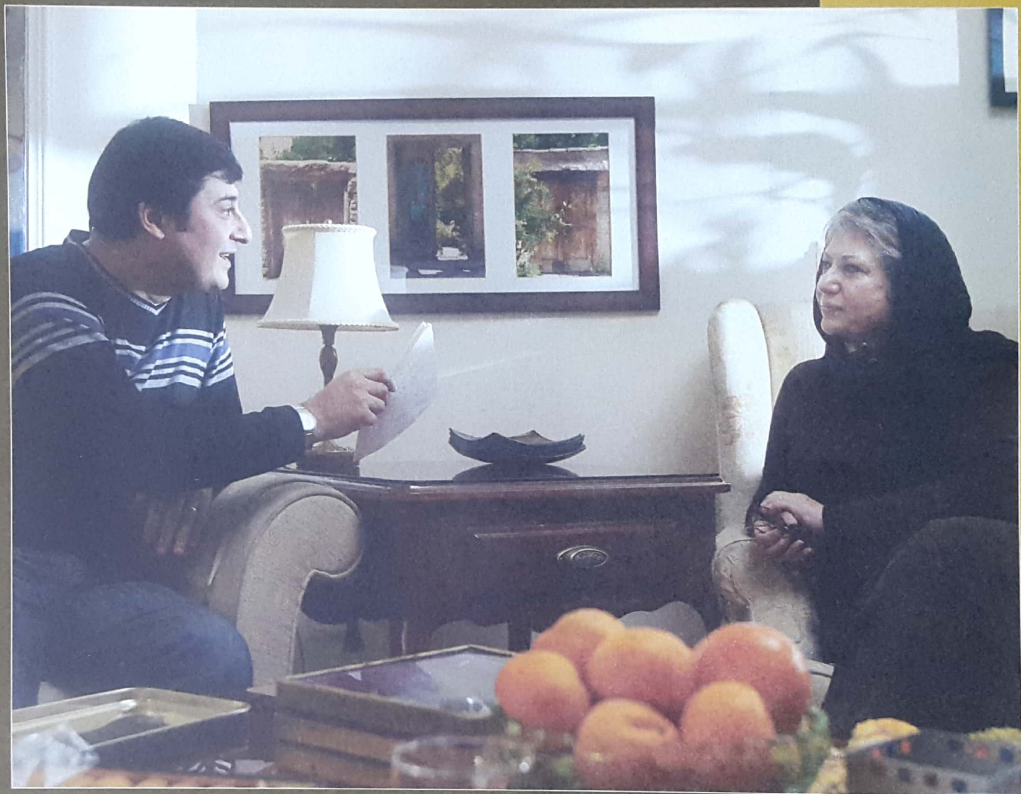
اوپه دید

وقتی کارنامه فیلمسازی رخشان بنی اعتماد را مرور می کنیم طبعاً به این نتیجه می رسیم که او مهم ترین فیلمساز اجتماعی ماست. به گمان من او نمونه بارز یک فعال اجتماعی هنرمند است که برای انجام مسئولیت اجتماعی خود فیلم می سازد و بسیار هم خوب می سازد. طی سی سال گذشته هیچ فیلمساز دیگری به اندازه او نسبت به تحولات اجتماعی عصر خودش حساس نبوده و به موقع واکنش نشان نداده است. از سینمای داستانی که بگذریم، او در سینمای مستند نیز کارنامه ای برپا دارد از «تدابیر اقتصادی جنگ» بگیرد تا «اشتغال روستاییان مهاجر به شهر» و «فرهنگ مصرفی» و «حیات خلوت خانه خورشید» و از «تمرکز» که درباره امکانات بهداشتی تهران است بگیرد تا «مستند زیر پوست شهر» و «این فیلم ها رو به کی نشون میدین؟» و «روزگار ما» ایزودی از «فرش ایرانی» و «آخرین دیدار با ایران دفتری» از دیگر آثار مستند بنی اعتماد است. در سال های اخیر هم گرچه فضای کار برای او تنگ تر و سخت تر از همیشه بوده است، اما بنی اعتماد کار خودش را انجام داده «مانیما از جمعیت ایران هستیم»، «کهریزک چهار نگاه: اتاق ۲۰۲» و این مستند درخشان و تکان دهنده آخری - «فردا می بیتم اینا» - که بعد از انجام این گفت و گو شانس تماشایش را داشتیم، نشان می دهد که فیلمسازی که غمخوار حال مردمش و نگران سرزمینش باشد را نمی شود از فعالیت بازداشت. به شهادت جمله ماندگار آخرین فیلم بنی اعتماد، «قصه ها» - که امیدوارم در جشنواره فجر امسال به نمایش درآید - هیچ فیلمی در کمند نمی ماند.

کیوان کیمیریان

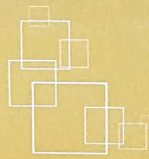
A Direct Relationship between Filmmaker and Society

When we review Rakhshan Bani Etemad's list of films, naturally we come to this conclusion that she is the most important filmmaker of social issues in Iranian cinema. She is a clear example of an artist who is a social activist at the same time. She makes films in order to be faithful to her social responsibility. Over the past thirty years, nobody else has been this much sensitive to the social changes of his own time, except her. Apart from fictional movies, she has made a long list of admirable documentaries. In an exclusive interview, Bani Etemad talked about her personal perception of documentary filmmaking and cinema. As she says, the one who makes documentaries has a direct relationship with society and its reality. In Bani Etemad's view, we are living in a time that it is not possible to show some parts of reality any more due to free flow of information and the communication age. She also called the underground art under the title of 'Resistance Art' which is against the limitations and cannot be prevented by any person or organization.



ویژگی های لازم هر مستندی است یا این که فقط در مستند اجتماعی لحاظ می شود؟
وقتی در مستند راجع به حساسیت و اهمیت موضوع صحبت می شود منظور حساد بودن این نگاه می تواند در مورد همه پدیده های جهان لحاظ شود. این زاویه دید مستند ساز است که یک موقعیت را مورد کنکاش قرار می دهد. طبیعتاً در شرایط پیچیده فرهنگی اجتماعی

مقاومت دشوارتری در قبال شرایط موجود برای ماندگاری دارد، چه در عرصه تولید و چه در عرصه توزیع و نمایش. شایه رخم ارتباط تنگاتنگی که میان مستند و واقعیت وجود دارد، میحتی نیز مطرح است که با ذات واقعیت نمای آن در تضاد است. عده ای می گوید مستند به دلیل ماهیتش نمی تواند جای چشم بینندگان و عین واقعیت را ببیند، چون به هر حال بین



نباید واقعیت را به خفا برد

7
وینار

Fekraei & Sepideh Theater سینما حقیقت
Tehran-01-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
چشمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
۱۳۹۲، آذر، ۱۷ به ران
تهران، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳

تک و توی نیوان سیرین مستند سینما با رخسان بنی اعتماد درباره سینما مستند و نگاه نقادانه فیلمسازان به معضلات اجتماعی

همانگی و تنظیم: مهسا همتی

رخسان بنی اعتماد چیز کارگردانی است که خیلی سخت بن به گفت و گو می دهد، حالا شما حساب کنید او به عنوان داور جشنواره هم انتخاب شده و وقتش از همیشه برتر است، یا همه این تفاسیل ما او را در فهرست فیلمسازان بخش گفت و گو و ویژه خود قرار دادیم تا در یکی از شماره های نشریه پذیرایش باشیم. گفت و گویی که به نثر نشستش فقط با کمک ها و همکاری کیوان کثیریان میسر شد. او فراتر از یک همکار مهمان برای این گفت و گو زمان و وقت صرف کرد، کمک صمیمانه ای که در نهایت منجر به گفت و گویی شد که در ادامه می خوانید.

تلقی شخصی من از مستندسازی

ثبت کردن زمانه و روزگار است، مستند منطبق بر واقعیت است و به همین دلیل فکر می کنم فیلمساز مستند، خودبه خود در قبال هنر و جامعه مسئولیت به عهده می گیرد. در حالی که فیلم داستانی بلند به دلیل ماهیت بازسازی و دراماتیزه کردن همه چیز، از واقعیت دورتر است و فیلمسازش آن مسئولیت را ندارد. در واقع مستندساز علاوه بر فیلمساز یک فعال اجتماعی هم هست، شما با این دیدگاه موافقت؟ رابطه مستندساز با جامعه و واقعیت بی واسطه است، رابطه ای که طبیعتاً ماهیت ارتباط فیلمساز را با اثر به نسبت فیلم داستانی، متفاوت می کند. به همین دلیل هم موقعیت سینمای مستند موقعیت حساس تری نسبت به سینمای داستانی است و به تبع آن حساسیت روی فیلم مستند بیشتر است. روزاوی بی با واقعیت،

جدا از زاویه نگاه و جهان بینی مستندساز، ناگزیر از درگیر شدن ذهن فیلمساز در عرصه مناسبات اجتماعی است. حساسیتی که این ارتباط بی واسطه مستند با واقعیت به وجود آورده باعث می شود که برخی اشخاص و مسئولان که می خواهند با نگاه رسمی، یک تصویر پاسنوریزه از جامعه به مردم بدهند یا سینمای مستند زاویه پیدا می کنند. نگاه ممیزی به سینما، چه داستانی و چه مستند از یک طرف ناشی از برهیز و محافظه کاری از بیان واقعیت است و از طرف دیگر، نادیده گرفتن گستردگی جهان اطلاعات و ارتباطات در دوران معاصر. مخاطبی که از منابع مختلف رسانه ای در معرض هجوم اخبار و وقایع است بر پرده سینما ناظر بر فیلتری است که میان او و باورپذیری اثر را فاصله دار می کند. سینمای مستند به دلیل ذات مستقل ترش از چرخه مناسبات اقتصادی حاکم بر عرصه سینما

موقعیت سینمای مستند موقعیت حساس تری نسبت به سینمای داستانی است و به تبع آن حساسیت روی فیلم مستند بیشتر است



واقعیت - و نه همه آن را - را گزینش می کند و در قبال محدودی هم جای می دهد. ما مستند را از نگاه فیلمساز می بینیم و اوست که می تواند تصمیم بگیرد که چه حجمی از واقعیت را به ما نشان دهد. این ویژگی مستند چقدر باعث فاصله گرفتن مستندساز از واقعیت می شود؟

طبیعی است که مستندساز بخشی از واقعیت و با منطقی از واقعیت را به تصویر می کشد، اما اگر این منظر کلیت یک رویداد را به گونه ای غیرواقعی و دور از حقیقت نشان دهد ارزش استاندارد را از دست می دهد. در همه جای دنیا مهم ترین عرصه نمایش فیلم مستند شبکه های تلویزیونی هستند که دایره محدودیت رسانه ما ظرفیت نمایش بسیاری از آثار مستند سینمایی خودمان را هم ندارد.

جدا از ویژگی های ساختاری و تکنیکی، وقتی یک فیلم مستند را می بینید توقع دارید چه نکته ای و چه آتی در آن باشد که شما را جلب کند؟ انتخاب موضوع و زاویه نگاه فیلمساز به موقعیت و ساختار سینمایی مناسب با موضوع، اما در شرایط تصمیم گیری بین دو فیلم با تفاوت کیفیت در تکنیک عمدتاً گرایش به مضمون بیشتر است، به این معنا که اگر فیلمی موضوع بکر و یا مهمی داشته باشد و ساختار سینمایی متناسبی هم به کار گرفته شده باشد اما به لحاظ تکنیکی ضعیف تر از فیلمی قوی تر به لحاظ تکنیکی اما از جهت انتخاب موضوع معمولی و غیرجذاب باشد، انتخاب فیلم اول خواهد بود.

فکر می کنید نگاه انتقادی جزو

به شرایط موجود است، مشکل این است که ممیزی هر نگاه نقادانه را مقابله با سیاست حاکم می بیند، در حالی که نقد با روی پر قدرت راه گشایی سیاست گذاران در برخورد با معضلات اجتماعی است و اگر سیاست گذاری عاجز از حل معضلات و یا تعدیل آن است راه حل مطرح نشدن و به خفا بردن واقعیت نیست.

مفهوم صرفاً مستندساز اجتماعی نیست آیا در همان زاویه ورود مستندساز به موضوع در هر مستندی یا هر محتوایی، نگاه انتقادی لازم است؟

الزامی نیست که هر فیلم اجتماعی الزاماً ظاهر نقادانه باشد، یک فیلم اجتماعی می تواند تحلیل و تفسیر یک موقعیت باشد اما به واسطه آگاهی بخشی و جلب توجه مخاطب به ریشه معضلات اجتماعی خود طبیعتاً وجه نقادانه پیدا می کند.

با توجه به نکاتی که گفتید کارکرد مستندسازان مستقل را در شرایط محدودی که در سال های اخیر به وجود آمده چگونه می بینید؟

تنگنای مستندسازان در سال های اخیر از فیلمسازان سینمای داستانی خیلی بیشتر بوده است و در همین حال باز سینمای مستند هر چند طاققت فرسا به دلیل ذات مستقل ترش را خود را به سختی ادامه داده و از زاویه ساختاری می شود گفت مسیر رشد داشته فیلمساز تکتقره و تولیدات گروهی همپارانه ای شکل گرفته و بیان رها تر و غیر محافظه کارانه دنیای شخصی، تجربی های تازه ای در سینمای مستند است.

ادامه در صفحه ۱۶

تلوویزیون مهم ترین عرصه نمایش مستند

1 سازندگان فیلم های مستند یکی از مشکلات این سینما را عدم وجود مجلی برای عرضه آن می دانند اما من بیش از این هم گفتم شبکه های تلویزیونی مهم ترین عرصه نمایش مستند در همه کشورها هستند اگران های مشخص سینمایی با تعریف مخاطب خاص راه دیگر نمایش آثار مستند است ولی اشکال در این است که بحث اگران فیلم مستند در چهارچوب فرمول های اگران آثار سینمایی مطرح می شود که خود دارای مشکلات حل شده بسیار است. نمایش فیلم مستندساز و کار خود را می طلبد. سینمای مستند مخاطب خود را در طول اگران مداوم و عرضه عمومی مناسب پیدا می کند. باید نمایش فیلم مستند به عنوان یک جریان مستمر در مراکز فرهنگی و در شبکه ویدیویی راه اندازی شود. اگر این فیلم ها از طریق نمایش خانگی و بخش ویدیویی در دسترس باشد، مخاطب خود را پیدا می کند. باید مراکز وجود داشته باشد که جهت گیری شان در تلاطم جذب مخاطب باشد، نه اسبوی مخاطب.

هنر مقاومت از نگاه من

2 تعریف من از هنر مقاومت که محدود به سینما هم نمی شود، مقاومت در برابر شرایطی است که صاحب اثر را مقید به رعایت چارچوب های سلیقه ای تصدی گوی های موقتی و آثار تبلیغاتی باب سیاست روز می کند. هنر مقاومت در هر دوره و زمانی که دایره محدودیت هایی توجیه به نزارهای فرهنگی جامعه تنگ تر و شرایط بسته تر شود قوی تر عمل می کند. هنر مقاومت پدیده ای نیست که با ایجاد مواقع سخت تر متغی شود. سینمای مستند که در عادی ترین شرایط با مشکلات و موقعی دایمی و بازدارنده روبه روست به مفهوم مطلق هنر مقاومت است. همقد چند ساله اخیر که مدیران و سیاست گذاران فرهنگی و هنری اصحاب این عرصه را اگر مندان و مجربان سلیقه خود می دیدند این دوره بهترین ضربه را سینمای مستند آن هم به واسطه ماهیت اجتناب پذیر خود در بیان واقعیت خورد. در نهایت مستندسازان یکی از برداخت کنندگان بهای سنگین سیاست های فرهنگی دوره گذشته اند.





قصه بمون علی و مختار

مهدی رسول پور در مستند «چرچی» داستان مردی دوره گرد را روایت کرده که به همراه فرزندخوانده‌اش در روستاهای مازندران مشغول دوره گردی است. کارگردان این مستند درباره ویژگی‌های اثر و نیز مشکلات مستندسازان می‌گوید

mshaveste84@gmail.com

مختار، دوره گردی است که سال‌ها با پسر خوانده‌اش، بمون علی به روستاهای مختلف مازندران سفر می‌کنند و کالاهای خود را به روستائیان می‌فروشند و در عوض از آن‌ها صنایع دستی و فرآورده‌های لبنی می‌خرند. مختار که در کنار چرچی‌گری، از پدرش آرایشگری و کشیدن دندان را هم آموخته، در این سفر راه و رسم مردم‌داری و زندگی را به پرسش بمون علی می‌آموزد. مستندساز ۲۴ ساله مازندرانی سوژه جالبی پیدا کرده که خلاصه‌اش را خواندید. سوژه‌ای که در نهایت تبدیل به مستند ۲۵ دقیقه‌ای «چرچی» شد. مهدی رسول پور در این گفتگو از حال و هوای مستندش و شرایط تولید مستند در مراکز استان‌ها می‌گوید.

بله، من یک مجموعه به نام «شش مستند» داشتم و این سوژه یکی از موضوع‌های آن شش مستندی بود که در دست داشتم و چون حس کردم فضای بهتری برای نمایش دادن دارد مقداری بیشتری روی آن کار کردم البته در نهایت توانستم سه مستند از آن شش مستند را بسازم که یکی از آن‌ها همین «چرچی» بود.

این پدر و پسر چه واکنشی نسبت به ساخت مستند بر مبنای زندگی واقعی‌شان داشتند؟

چون آن بچه پسر خوانده پیرمرد بود، ابتدا خیلی مقاومت کرد که مستند را نسازیم چون احساس می‌کرد دوستان هم سن و سال نوجوان‌اش بعد از ساخت فیلم او را مسخره و حتی اذیت می‌کنند، اما بعد از اینکه بیشتر با او صحبت کردیم راضی به همکاری شد. در نهایت ما ده روزی همراه هم بودیم که سه روز هم بارش باران باعث توقف کار شد؛ ولی در مجموع فیلم را ده روز ساختیم.

نکته‌ای که وجود دارد این است که در خلاصه داستان اسم روستاهای مختلفی اعم از «اسلام آباد» و «نیچکوه» و «کینج» آمده، آیا به تصویر ارائه شده از این روستاها

فیلم خیلی فضای داستانی دارد، کدام وجه فیلم باعث می‌شود مخاطب احساس کند با یک مستند مواجه است؟

آن دو نفر که در این فیلم به آن پرداخته شده، دو شخصیت حقیقی هستند که به همان کار مشغول هستند، یعنی آن پیرمرد و بچه به شکل واقعی در این دنیایی که مدرن شده همراه هم به بعضی از روستاها کوهستانی می‌روند و کل روستاها را می‌گردند، همه اشخاصی که در روند فیلم آن‌ها را می‌بینید واقعی هستند و بازیگر نیستند که من از آن‌ها بازی گرفته باشم. من فقط به آن‌ها کمی کمک کردم تا خط داستانی اثر هم مقداری شکل بگیرد.

چگونه این سوژه را پیدا کردید؟

با توجه به اینکه من کارمند صداوسیما هستم، برای ساخت یا پیدا کردن انواع سوژه‌ها فرصت‌های دو یا سه هفته‌ای به ما داده می‌شود و همین امر باعث می‌شود که ما با ماشین هلی سازمان که عمدتاً پاترول است به جاهای مختلف سر بزیم تا سوژه پیدا کنیم.

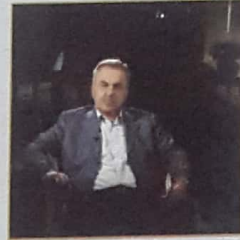
موضوع این فیلم را نیز در همین فرصت‌ها پیدا کردید؟

سیاسی اقتصادی

۱۲ تموز

کارگردان: سعید ابوطالب

درباره فیلم: این مستند درباره جنگ ۱۲ تموز که در ایران به نام جنگ ۳۳ روزه شناخته می‌شود، ساخته شده. این مستند با بی‌طرفی به سوالات ایجادشده درباره به وجود آمدن این جنگ و اتمام آن پاسخ می‌دهد.



سازاروز بی طرف

سعید ابوطالب از ساخت
«۱۲ تموز» می‌گوید

در حاشیه همه اتفاقات بزرگ سیاسی و اجتماعی دنیا، برای جنگ‌ها، کودتاها و ترور شخصیت‌های سیاسی دنیا همیشه سوالات مهمی وجود دارد که بیشتر اوقات به آن‌ها پاسخ داده نمی‌شود. یکی از این سوالات درباره جنگ لبنان است که در ایران به آن «جنگ ۲۲ روزه» گفته می‌شود، نیروهای مقاومت به آن «وعده صادق» می‌گویند و اسرائیل آن را جنگ دوم لبنان می‌نامد. این جنگ در سال ۲۰۰۶ اتفاق افتاد. درباره این مسئله یک سوال اساسی وجود دارد که چه کسی این جنگ را شروع کرد و علت جنگ چه بود؟ این مسئله مهمی است که هنوز هم در داخل لبنان روی آن اختلاف نظر وجود دارد. خیلی وقت‌ها حزب‌الله به این موضوع مهم می‌شود که به دلیل یک رفتار ماجراجویانه باعث شروع جنگ شده و به دلیل کمیتی که به اسرائیلی‌ها زد، آتش جنگ را شعله‌ور کرد. بعضی‌ها معتقدند امریکایی‌ها دوست داشتند این جنگ برای تعادل قوا در منطقه خاورمیانه شکل بگیرد. خیلی‌ها معتقدند اسرائیل قصد یک حمله بزرگ به لبنان را داشته و حرکت حزب‌الله یک عملیات پیشرفت‌کننده بوده و خیلی تئوری‌های مختلف دیگر که سوالات بی‌جوابی را ایجاد کرده‌اند. به هر حال ما با این ایده وارد لبنان شدیم. سوال اصلی فیلم این است که چه کسی جنگ «۱۲ تموز» را شروع کرد. ما در این فیلم فقط سراغ مخالفان این جنگ نرفتیم، بلکه سراغ مخالفان و پژوهشگرانی رفتیم که هیچ‌گونه سمپاتی نسبت به مقاومت نداشتند و به موضوع آکادمیک نگاه می‌کردند. این سوال اصلی را از همه شخصیت‌های لبنانی پرسیدیم و تحولاتی را که در یک هفته اول جنگ انجام شد را هم بررسی کردیم.



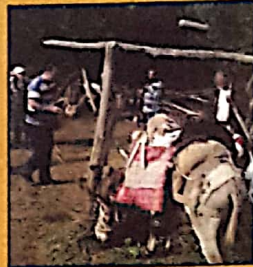
Felstein & Sepideh Theaters
Tehran 10-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
۱۹ تا ۲۴ آذر ۹۲ تهران
سینما فلسطین - سینما سپیده

سینما ایران

شماره ششم
کتابخانه آر ۱۳

A Real Story from Mazandaran's Villages

Mehdi Rasoulpour, the director of 'Cherchi', has depicted the story of a wandering man who goes across the villages of Mazandaran with his stepson. They sell their goods to the villagers and buy dairy products and handicrafts instead. The 34-year-old director from Mazandaran has found an interesting subject; a subject which now you can see in the form of a 35-minute documentary as 'Cherchi'. Rasoulpour mentioned that his two characters are real persons whose job is the same exactly. "I mean although we are living in a modern world, the old man and his stepson travel across the villages and mountains", said the director. All people in the film are real characters and they are not actors. "At first, it was very difficult to convince the stepson to accept to be filmed, as he didn't want to be mocked by his friends one day. We talked with him so many times and finally he accepted to cooperate. Anyway it took ten days on the whole to make this documentary", told Rasoulpour. He also added that it has been tried to shoot the film from different angles, so that the audience can recognize different villages through which the old man and his son travel. "In fact, we reproduced some of the old man's memories. On the whole, we have shown a combination of reproduced and real scenes in this documentary", said Rasoulpour.



دینی و آیینی

لطفابوق بزیند
کارگردان: رضا فرهمند
درباره فیلم: این مستند داستان یک آفریکایی و دو لهستانی و از فعالان حقوق بشر است که برای کمک به مسلمانان میانمار به کمپ آوارگان در هند می‌روند. آن‌ها در مسیر فعالیت بشردوستانه خود درگیر اتفاقات و ماجراهای گوناگونی می‌شوند.



بهران در هیاهوی بوق‌ها

رضا فرهمند در مستند «لطفابوق بزیند» سراغ مسلمانانی که در کمپ آوارگان میانماری در هند ساکن هستند رفته است. محور اصلی فیلم تلاش انسان دوستانه تعدادی از فعالان خارجی حقوق بشر برای کمک به این آوارگان است؛ اما به موازات این روایت، به مشکلات و شرایط دشوار مسلمانان میانماری در کمپ آوارگان هند می‌پردازد. این ایده سال‌ها پیش به ذهن فرهمند رسیده و او پس از آن نزدیک به دو ماه پیرامون این موضوع به تحقیق و پژوهش پرداخته است. وی از طریق مشاوره‌ای که در هند داشته لوکیشن‌ها، مکان‌ها و شخصیت‌های مورد نظرش را انتخاب کرده و پس از آنکه برنامه‌ریزی‌ها و تحقیقاتش کامل شد با سفر به هند و پس از یک ماه تصویربرداری این پروژه را به سرانجام رسانده است.

از نگاه کارگردان

یک بحران بین‌المللی

در مستند «لطفابوق بزیند» سعی کرده‌ام فارغ از مسائل مذهبی و دینی به بحرانی بین‌المللی که ممکن است در تمام دنیا اتفاق بیفتد نزدیک شوم. از این جهت فارغ از سوگیری مذهبی به این فکر کردیم که با یک مشارکت بین‌المللی چگونه می‌توان یک بحران را حل کرد. به همین دلیل چون نگاهمان بین‌المللی است، سعی کردیم تا اعتقادات و نگاه مذهبی خود را در کار دخیل نکنیم و تمام این سوگیری‌ها را کنار گذاشتیم. به موازات ماجرای اصلی مستند، صدایی در این فیلم وجود دارد که می‌خواهد ببیند این افراد تا چه اندازه حاضر هستند برای آوارگان میانماری فداکاری کنند.

در بخش بودجه هم اگر شما دقیقا ۱۵۰ هزار تومان کار کرده باشید که این پول برای کارهای «ج» در تهران است. با این اوصاف آنها می‌گویند که مثلا این ۲۰۰ هزار تومان را بگیر چون کار تو به این مقدار ارزش دارد. این حرکت تازه نشان از بهتر شدن فضا دارد. بیشتر دوستانی که بیرون از صداوسیما در حال فعالیت در این زمینه هستند از هزینه‌های سنگین کارهای مستند گله‌مندند و بعضا دیگر نمی‌توانند در این شرایط به فعالیت خود ادامه دهند. مثلا ممکن است جایی مثل انجمن سینمای جوان ۱۰۰ هزار تومان بدهد و بگوید برو فلان کار را انجام بده و این خیلی در برابر کارهای داستانی که انجام می‌شود رقم ناچیزی است که نشان از بها ندادن به این اشخاص هم می‌شود.

به عنوان یک مستندساز شهرستانی مهمترین مشکلاتی که بتوانید به آن اشاره کنید تا مدیران جدید سینمایی سعی در صد رفع و رجوع آن داشته باشند چیست؟

این سؤال را شما باید از کسی بپرسید که به هیچگونه ارگانی وصل نیست چون آن‌ها بهتر می‌توانند جوابگوی شما باشند. تقریبا در مراکز به آدم‌ها کار می‌دهند نه به سوزدها. فلان شخص چون کارنامه چشمگیری دارد به او این فرصت را می‌دهند که کار را انجام دهد. کسی که بیرون از صداوسیما است با بودجه‌های محدود فعلی خیلی به مشکل برمی‌خورد. میزان بها و بودجه و امکاناتی که در تهران به برخی سوزدهای می‌دهند حدود ۱۰ برابر بیشتر از شهرستان است. ما باید منتظر بشینیم که کار ساخته شده ما به تهران برود و ارزیابی انجام شود تا بودجه به آن تعلق بگیرد. یک فشار دیگر هم زمانی هم به ما وارد می‌شود که عوامل فیلم می‌خواهند سسر آفیش‌های دیگری هم بزنند و ما مجبوریم که کارمان را ده یا یازده روز ببندیم. اگر من یک ماه وقت در اختیار داشتم بیشتر می‌توانستم به جنبه‌های مستندی کارم اضافه کنم یا حتی همان پدر و پسر کارهایی را انجام می‌دادند که ما می‌توانستیم آن‌ها را مستقیما تصویربرداری کنیم. مدیران جدید اگر یک سری امکانات سخت‌افزاری مثل دوربین یا وسیله نقلیه را به مراکز استان‌ها تزریق کنند واقعا می‌تواند روی کیفیت کار کمک کند.

فکر می‌کردید یا فقط به فضای مد نظر زندگی این پدر و پسر پرداختید؟

سعی کردم یک جاهایی نماهای باز و متفاوتی از روستاها نشان بدهم. یعنی از زاویه‌های تصویربرداری کردیم که مخاطب متوجه شود که این یک روستای دیگری است. مثلا بفرمید آن روستای «کینج» بود و این «سلام آباد». تقریبا در هر هفت روستایی که رفتیم تا هفت زاویه با ورودی‌های مختلف فیلمبرداری کردیم تا ببینند متوجه شود که این آدم‌ها واقعا روستاهای مختلفی را برای فروختن وسایلش و خرید مایحتاجش زندگی‌اش طی می‌کند.

فیلمنامه‌های داشتید که براساس آن فیلم را بسازید یا خودتان گفتید با توجه به اتفاقاتی که ممکن است بیفتد کار را جلومی برید و در تدوین قسمت‌های دلخواه را در می‌آوردید؟

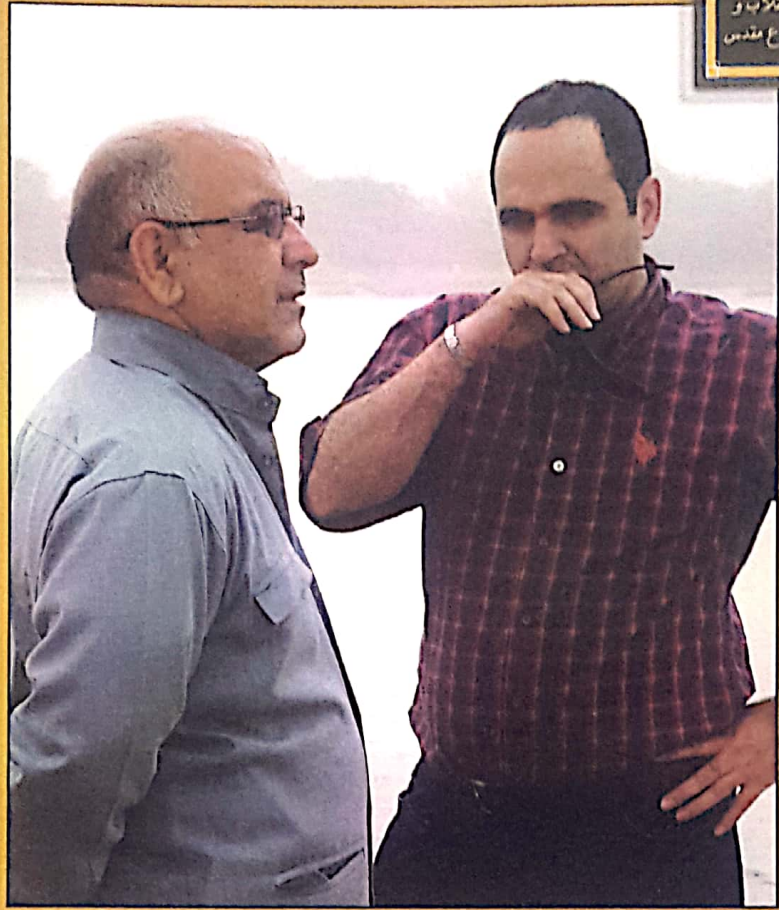
همان ابتدا از پیرمرد پرسیدم که آیا در این مدت شما خاطرهای دارید که ما آن را بازسازی کنیم؟ ما هم بعضی از آنها را بازسازی کردیم. مثلا این شخص در گذشته از آقایی وسایل عتیقه‌اش را خریده بود و ما هم آن صحنه‌های خرید عتیقه را بازسازی کردیم. ولی خیلی‌ها بودند که ما در طی مسیر، آن‌ها را دیدیم و همراهشان رفتیم. در کل ما ترکیبی از صحنه‌های بازسازی شده و واقعی را در این فیلم نمایش دادیم.

به عنوان مستندساز که در شهرستان فعالیت می‌کنید تفاوت امکانات با مستندسازان پایتخت را حس می‌کنید؟ چه از نظر فضای مالی و چه از نظر حمایت‌های معنوی؟

می‌توانم این موضوع را از دریچه صداوسیما بگویم. چون فیلمسازان جوانی که در جاهای مختلف هستند خیلی با فقر بودجه مواجه باشند. اما در صداوسیما اتفاق خوبی افتاد و بخشی به عنوان شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها به وجود آمد. کسانی که قبلا در شهرستان زندگی می‌کردند و فرصت نداشتند کارهایشان از شبکه‌های مختلف پخش شود با توجه به سیستمی که الان وجود دارد، کار ساخته شده را مستقیما به اداره ارزشیابی تهران می‌فرستند و اگر نمره قابل قبول دریافت کرد مجوز پخش از شبکه را می‌گیرد.

The Story of a Nostalgic Song

Sahrouz Tavakol, who directed the documentary 'No Mamad', has examined the most popular and nostalgic song in the time of the Holy Defense. 'Mamad, You Were Not to See the City Is Now Free' is the title of this famous song reminding days of bitter and sweet memories for everyone. Tavakol has tried to answer the question; how this song was made at that time. In his film, Tavakol travels to Khorramshahr with the songwriter of this memorable music. As he says, it took him two days to finish filming.



... و ناگهان ممد نبود!

روایت شهروز توکل کارگردان مستند «ممد نبود» از چگونگی ریشه‌یابی محبوب‌ترین و نوستالژیک‌ترین نوحه هشت سال دفاع مقدس

ممد صادق شایسته

mshayeste84@gmail.com

«ممد نبود» بیینی، شهر آزاد گشته». فکر می‌کنید بتوان کسی را پیدا کرد که تا به حال این نوحه معروف را نشنیده باشد؟ نوحه‌ای که با تاریخ دفاع مقدس گره خورده است و یادآور روزهای تلخ و شیرین آزادسازی خرمشهر است. شهروز توکل با هوشمندی در مستند «ممد نبود» به سراغ ریشه‌یابی این آهنگ معروف زمان جنگ رفته است. توکل با همراهی یک تیم حرفه‌ای مستندش را ساخته. «ممد نبود» چگونه ساخته شد؟ این سئوالی که توکل به آن پاسخ می‌گوید.

دردی به نام نبود خلاقیت

در سال‌های اخیر مستندهای کمی را می‌توان پیدا کرد که به سراغ حواشی هشت سال دفاع مقدس رفته باشند. سوژه‌هایی از قبیل همین ریشه‌شناسی نوحه «ممد نبود». توکل معتقد است از این دست سوژه‌ها زیاد است ولی مشکل جای دیگری است: «وقتی سینمای مستند دفاع مقدس تبدیل می‌شود به نوع خاصی از فیلمسازی و تقریباً همه به دنبال ساخت آثار پرتنه می‌روند نتیجه‌اش می‌شود یک سری کارهای گاه بسیار ضعیف که فقط به چند گفتگو و خاطره بسنده می‌کنند و تمام. این فضا واقعاً کلیشه شده در حالی که فیلمساز می‌تواند خیلی ساده با دوری کردن از این کلیشه‌ها و خرج کمی خلاقیت از بستر بسیاری از حواشی نکاتی در خصوص جنگ را نشان دهد که شاید دهها مستند مستقیم با جنگ نه آن جذابیت را داشته باشند و نه آن اندازه تاثیر گذاری را. به نظرم ساده‌ترین راه ممکن این است که آدم‌ها را پیدا کنیم و آن‌ها را مستقیماً وارد یک مستند کنیم و کارمان را به سرعت به پایان ببریم.»

فیلم بالقوه هم مخاطبان زیادی پیدا می‌کرد و هم آدم‌هایی که بتوانند درباره این آهنگ حرف بزنند.» توکل خیلی دوست داشته ترانه سرای آن را پیدا کند که در جستجوهایش متوجه می‌شود این شاعر در دسترس است و می‌توان سراغش رفت. اما این تنها کار او نبوده: «در آرشیه‌های مختلف که گشتم انواع اجراهای آن را پیدا کردم و فهمیدم تا به حال از این نوحه کجاها استفاده شده است و می‌توان حتی به اجراهای مختلف آن پرداخت به این ترتیب من مترابال اولیه خوبی برای ساخت این مستند دارم بعد همه این اطلاعات را در خودم کانالیزه کردم. فرم کار را پیدا کردم و فهمیدم که باید این مستند در سفر ساخته ساخته شود.»

روایتی که دو روز در قطار شکل گرفت

تصویربرداری مستند توکل کلا دو روز به طول انجامیده یعنی دقیقاً همان زمانی که مخاطب در فیلم می‌بیند. توکل به قصد دیدن آقای عزیزی شاعر «ممد نبود» از تهران به سمت اراک حرکت می‌کند. همراه او با قطار به خرمشهر

حوزه هنری فراخوانی در خصوص ارائه ایده‌هایی درباره خرمشهر و جنگ ۲۳ روزه فراخوانی منتشر می‌کند. توکل و دوستانش هم جمع می‌شوند تا در بحث و گفتگو ایده‌هایی به دست بیاورند که بتوانند آن‌ها را اجرایی کنند. در همین بحث و صحبت‌ها مدام هر آن چه که به خرمشهر مربوط می‌شده بازگو می‌شود که ناگهان توکل متوجه می‌شود تا به حال کسی سراغ نوحه «ممد نبود» و ریشه و تاریخچه‌اش نرفته است. و این گونه کارگردان ۳۵ ساله تهرانی سراغ این سوژه می‌رود و مراحل مقدمانی کار را آغاز می‌کند: «در مرحله تحقیق چند موضوع برای من کاملاً مشخص بود. اول اینکه تقریباً تمام ایرانی‌ها این نوحه را می‌شناسند و خیلی‌ها از آن خاطره و نوستالژی دارند. می‌توانند آن را زمزمه کنند و حتماً یک بار هم که شده آن را خوانده‌اند، حتی کسانی که خیلی در فضای جنگ و جبهه نبوده‌اند یا سنشان به آن زمان قد نمی‌دهد. پس در مرحله اول این نوحه فراتر از آن چیزی که برایش سروده شده بود همه را درگیر خودش کرده در نتیجه



گرمابه‌ها در گذر تاریخ

مستند «گرمابان» درباره تاریخچه گرمابه‌های عمومی در ایران است. شهاب میراب اقدم از این مستند می‌گوید

عرفان ملالی

jalali_erfan@yahoo.com

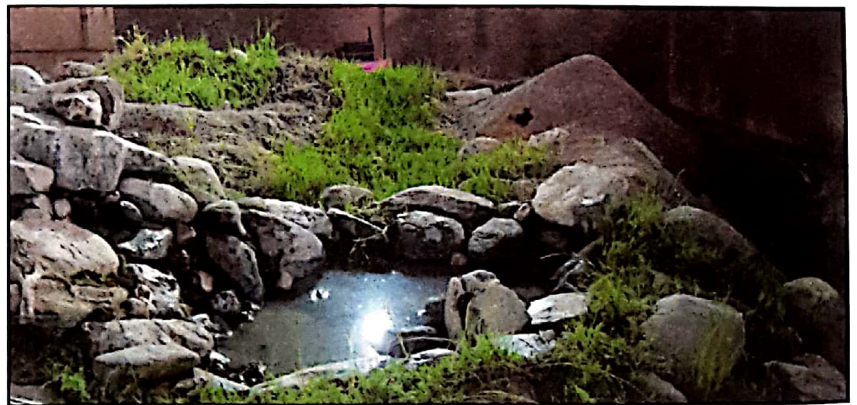
شهاب میراب اقدم در مستند ۵۰ دقیقه‌ای «گرمابان» به روایت تاریخچه گرمابه‌های عمومی در ایران می‌پردازد. در کنار روایت تاریخی و فضای نوستالژیک این مستند، همزمان رگه‌هایی از طنز در آن دیده می‌شود. مرتضی احمدی بازیگر پیشکسوت سینما نریشن این فیلم را خوانده است. صدای این بازیگر و دوبلور که خودش علاقه زیادی به تاریخ تهران دارد بر گرمی و جذابیت کار افزوده. شهاب میراب اقدم درباره این فیلم و ایده شکل‌گیری آن می‌گوید: «تخریب یکی از گرمابه‌های قدیمی به عنوان یکی از آثار و بناهای تاریخی کشور تلنگری برای من بود تا در این خصوص تحقیق و پژوهش کنم و این فیلم را بسازم.» او این مستند را ادای دین به خاطرات دوران کودکی می‌داند: «قصدم داشتم با محور قرار دادن گرمابه‌های قدیمی کشور که در گذشته نه چندان دور از عناصر اصلی شهرسازی در ایران محسوب می‌شد و امروزه دیگر به فراموشی سپرده شده و در حال تخریب است بار دیگر بخشی از تاریخ کشورم را برای مردم روایت کنم.»

مستند علمی، زیست محیطی

همه چیز درباره عقرب

مستند «عقرب» نگاهی کامل و جامع به شرایط زیستی عقرب‌های ایران دارد

«عقرب» به بررسی گونه‌های عقرب‌های ایران با محوریت عقرب‌های استان گلستان می‌پردازد. این مستند اما به این بهانه نگاه کامل و جامعی به شرایط زیستی عقرب‌ها داشته، زندگی و فیزیولوژی آن را به تصویر می‌کشد. آناتومی بدن، نحوه غذا خوردن، تولید مثل و در نهایت نحوه تهیه سرم ضد زهر این خزنده خطرناک از جمله بخش‌های این مستند است. مسعود متانی موقع ساخت می‌دانسته خیلی‌ها کنجکاوند از زندگی این جانور بیشتر بدانند: «فیلم در عین حال که اطلاعات جامع و کاملی درباره این جانور به مخاطب می‌دهد، دارای جذابیت‌های تصویری و بصری ویژه‌ای است که تماشای آن خالی از لطف نخواهد بود.»



دختران همین چهارشنبه، بی‌زمستان
کارگردان: سپیده برنجی
درباره فیلم: «دختران همین چهارشنبه، بی‌زمستان» روایت فردی است که در روز تولدش، نهالی را از پدرش هدیه گرفته. حالا او که پیر شده با تماشای درخت، خاطرات زندگی‌اش را مرور می‌کند.



دختران آخرین چهارشنبه

سپیده برنجی

از همان دوران جوانی که مستندسازی را شروع کردم علاقه ویژه‌ای به مطالعه فرهنگ اقوام مختلف کشور و به تصویر کشیدن آن داشتم. سوژه این فیلم هم در سفر تحقیقاتی که چندین پیش به شهرستان تالش در استان گیلان داشتم به ذهنم خطور کرد. مردم و به‌خصوص دختران و زنان برخی از مناطق روستایی تالش آداب و رسوم خاصی در مراسم چهارشنبه‌سوری دارند که برایم بسیار جالب بود و سعی کردم تا آن را در قالب یک مستند ۲۰ دقیقه‌ای به تصویر بکشم. هرچند این مستند داستانی، روایت بخشی از زندگی و خاطرات پیرمردی روستایی است؛ اما به این بهانه به معرفی فرهنگ و آداب و رسوم خاص مردم این منطقه در آخرین چهارشنبه سال می‌پردازد. اما از آنجا که زنان و دختران در شکل‌گیری این مراسم ویژه، نقش عمده‌ای دارند، به همین واسطه این مستند نیز تا حدودی فضای زنانه‌ای داشته و نگاه ویژه‌ای به این قشر دارد. البته معرفی گوشه‌ای از فرهنگ غنی خطه سرسبز شمال در قالب مستندی داستانی می‌تواند برای قشرهای مختلف مخاطبان جذاب باشد. از این منظر فیلم به هیچ عنوان اثری خسته‌کننده نیست و امیدوارم که مورد پسند مخاطبان هم قرار گیرد.



Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (Mid-length, Short & Sheffield)

Here, you can follow our suggested documentary films. The following are recommended for the Mid-length Section: 'From New York with Love' directed by Andre Valentim Almeida, 'Harvesters of the Bay' by Oliver Dickinson and 'Yorzeit' by Zuzanna Solakiewicz. And if you are interested in watching short films and Sheffield documentaries, we recommend you to watch 'The Loneliness of the Sound' by Jacek Piotr Bławut, 'We Are Poets' by Alex Ramseyer-Bache, Daniel Lucchesi. Among the above, there are two films selected because of their interesting theme: the first one, 'From New York with Love' is an essay on a foreigner's evolving relation with his host country. The second one is; 'The Loneliness of the Sound', introducing the figure of a less known composer, Tomasz Sikorski (1939-1988).

aida.tadayon@gmail.com

ایدا تادین



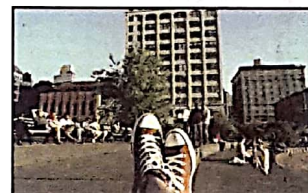
در جست و جوی سایه گوری تنها
 یورزیت/ لهستان ۲۰۱۲

«یورزیت» روایتی است از داستان معجزه‌آسای حکیمی فرزانه که با عشق، ایمان و شادمانی راهی سفری دشوار به سرزمین لهستان می‌شود. این مستند ۵۲ دقیقه‌ای را سوزانا سولاکیوویچ نویسنده و کارگردانی کرده است. سولاکیوویچ در گورستانی متروک و مخروبه در شهر گورلیتس، واقع در جنوبی‌ترین نقطه لهستان به سراغ آرامگاهی رفته که سال‌هاست جهان اطرافش آن را فراموش کرده؛ آرامگاهی که استادی فرزانه در آنجا برای همیشه آرام گرفته است.



نبض طبیعت در خلیجی تاریخی
 جوبندگان نمک در خلیج/ فرانسه- انگلستان ۲۰۱۳

۱۰ سال قبل، چند تن از افراد مشتاق تصمیم گرفتند محصول تاریخی نمک خلیجی واقع در غرب فرانسه را احیا کنند. آنها شروع به حفاری و پاکسازی گودال‌های باستانی نمک کردند تا بار دیگر خلیج نمک را باور کنند. الیور دیکینسن، در مقام کارگردان و فیلمنامه‌نویس این مستند ۵۲ دقیقه‌ای، بیش از یک سال همفکری و تلاش شبانه‌روزی سه جوینده نمک را به تصویر کشیده که مشتاقانه در جست‌وجوی بارور کردن این خلیج تاریخی بوده‌اند.



گردشگر و سرزمین میزبان
 از نیویورک با عشق/ پرتغال- امارات ۲۰۱۲

این مستند ۶۱ دقیقه‌ای را آندره والنیم الیندا نویسنده و کارگردانی کرده است. او که پیش از این در سال ۲۰۱۰، مستند دیگری تحت عنوان «نیویورک یک سیب بزرگ است» را کارگردانی کرده بود این بار نیز به سراغ مضمونی مشابه رفته است. الیندا در این اثر نیمه‌بلند به رابطه‌ای که میان یک فرد خارجی و کشور میزبان شکل می‌گیرد، پرداخته است. گشت‌وگذار از میان تصاویر متحرکی که به وسیله دوربین یک گردشگر خارجی عکسبرداری شده و با بخش‌هایی از فیلم‌های کلاسیک درآمیخته است، اثری متفاوت را پیش چشم مخاطب بر پرده سینما به نمایش درمی‌آورد.

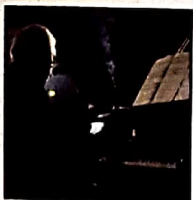
زیمه بلند



نسلی که شبیه نسل خودش نیست
 ما شاعریم/ انگلستان ۲۰۱۲

«ما شاعریم»، روایتگر داستان محرک و رادیکال دوران جوانی، هنر و آزادی بیان است. این مستند ۸۲ دقیقه‌ای را آلکس رامزیر-باخ و دنیل لوچسی به طور مشترک کارگردانی کرده‌اند. رامزیر-باخ که ضمناً نویسنده این اثر بلند را برعهده داشته، گروهی از نوجوانان برجسته انگلیسی را به تصویر می‌کشد که در عصر شبکه‌های اجتماعی و ارتباط دیجیتال، انتخاب کرده‌اند خودشان را از طریق یکی از قدیمی‌ترین و نیرومندترین فرم‌های فرهنگی به دنیای بیرون معرفی کنند.

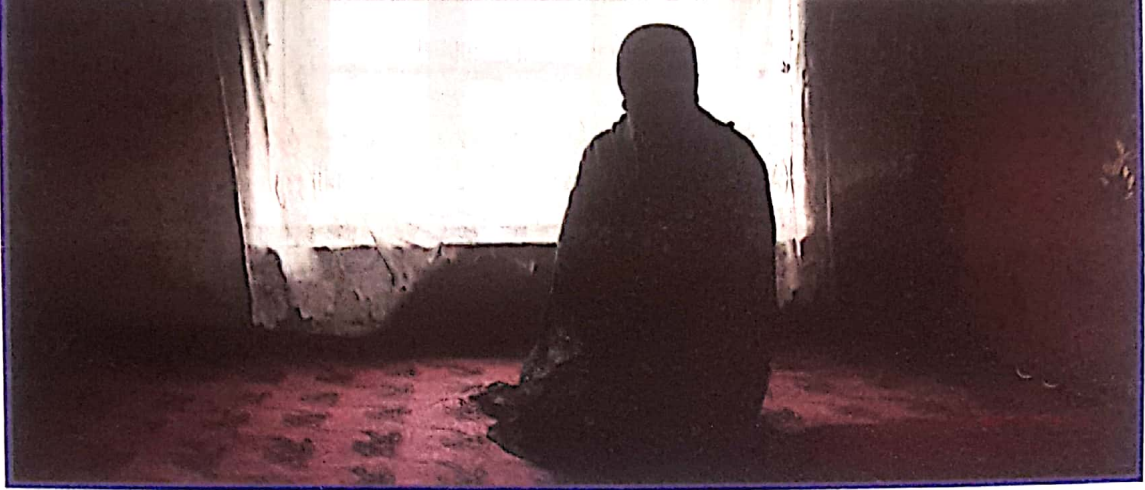
شادیلدا



غربت غم‌انگیز یک موسیقیدان سودازده
 تنهایی صدا/ لهستان ۲۰۱۲

مستند ۳۰ دقیقه‌ای «تنهایی صدا» به معرفی هنرمندی می‌پردازد که به سبب شرایط نه‌چندان مناسب سیاسی و اجتماعی روزگار خود آنچنان که باید و شاید شناخته نشد. زندگی شخصی و کاری توماس سیکورسکی (۱۹۸۸-۱۹۳۹) تحت‌تأثیر سلطه دوران کمونیسم به فرجامی تلخ انجامید. نبود آزادی و یا شاید ناتوانی او در کشف خودش، باعث شد به سرنوشت ترازیک این موسیقیدان انجامید. یاکک بیوتر بلاوت کارگردانی این اثر کوتاه را برعهده داشته است.

فیلم کوتاه



Don't Lose Your Chance to Watch the Best! (our Universe, Full-length)

In the sections of Our Universe, there is a spectacular selection of environmental documentaries as following: 'Lacrau' directed by Joao Vladimiro, 'Mandove' directed by Jim de Seve, Kian Tjong and 'One Day Ahead of Democracy' directed by Alman Datta. But if you are more curious to watch this year's mid-length films, you also have these two choices: 'My Afghanistan- Life in the forbidden zone' directed by Nagieb Khaja and 'The Human Scale' directed by Andreas M. Dalsgaard. In the end, we recommend you to watch the film, 'My Afghanistan- Life in the forbidden zone', showing the real life of Afghan people in the forbidden zone. There is another film named 'Mandove' which follow the magical percutut birds casting spells on Indonesian man.

زیستگاه من



گنج پنهان یک قلمرو دورافتاده
یک روز جلوتر از دموکراسی/ هند - ژاپن ۲۰۱۱

«یک روز جلوتر از دموکراسی» یک مستند ۱۱۷ دقیقه‌ای است که املان داتا آن را نویسنده‌گی و کارگردانی کرده است. این اثر بلند درباره روستایی تک و دورافتاده به نام «مالاتا» است که در رشته‌کوه‌های هیمالیا واقع شده و هزاران سال از تمدن شهری به دور بوده است. همین موضوع باعث شده گونه‌های از هستی ایزدی در این منطقه حس شود که در هماهنگی کامل با طبیعت است و می‌توان آن را به عنوان نمونه نایابی از اجماع دموکراسی توصیف کرد. اعتماد، گنج پنهان چنین حکومتی است.



اگر افعی می‌شنید و عقرب می‌دید...
Lukro/ پرتغال ۲۰۱۳

خوآو ولادیمیر در مقام کارگردان و فیلمنامه‌نویس این مستند ۹۸ دقیقه‌ای، دغدغه گمگشتگی انسان پس از جدایی از مام طبیعت و نیاز بازگشت به آن را مطرح می‌کند. ولادیمیر نشان می‌دهد که انسان‌ها باید به پیچ جاده‌ای که از همان نقطه گم شدند بازگردند و از جنگل هیولای شهر به دامان پرمهر طبیعت سفر کنند تا بتوانند بار دیگر احساسات و روابط ناب بشری را با پوست و گوشت خود لمس کنند. این فیلم در جشنواره‌هایی نظیر جشنواره فیلم ماری و جشنواره فیلم اسپلیت موفق به کسب جایزه شده است.



سفری جادویی به وادی طلسم‌شدگان
کبوترمرد/ اندونزی - امریکا ۲۰۱۲

مستند ۷۲ دقیقه‌ای «کبوتر مرد» محصول همکاری مشترک جیم دوسو و کیان ژانگ در مقام کارگردان است. این فیلم روایت تصویری جالبی از طلسم جادویی پرندگانی است که مردان اندونزیایی را گرفتار خود می‌کنند و پس از آن که آنها را از چنگ همسران‌شان رها می‌کنند، به رقابت با یکدیگر وامی‌دارند تا قدرت مردانگی و برتری طلبی‌شان بر یکدیگر را به اثبات برسانند. این اثر نسبتاً بلند مخاطب خود را به تجربه، تفسیر و تفکر درباره حقیقت ترغیب و تشویق می‌کند.

زیمه بلند

مبارزه با هیولایی به نام زندگی کلانشهری

«مقیاس انسانی» مستندی ۷۶ دقیقه‌ای است که کارگردانی آن را آندریاس م‌دالزگارد به سرانجام رسانده است. این اثر بلند درباره افزایش میزان جمعیت شهری در سراسر کره زمین و تبعات سوء آن است. در حال حاضر ۵۰ درصد جمعیت جهان ساکن مناطق شهری هستند و تا سال ۲۰۵۰ این میزان به ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت. جان گل، معمار و پروفیسور دانمارکی است که بیش از ۴۰ سال در زمینه رفتارهای انسان‌های شهرنشین تحقیق و پژوهش کرده و اکنون نظریات جالبی درباره احداث‌های شهری دارد.



زندگی واقعی مردم افغان به دور از فیلترهای غربی

نجیب خواجه، روزنامه‌نگار دانمارکی با اصلیت افغان، معتقد است غرب براساس نظرات و قضاوت‌های ناآگاهانه درباره کشور و مردم افغانستان تصمیم‌گیری و اظهار نظر می‌کند. او در مقام کارگردان این مستند ۸۸ دقیقه‌ای، برای نخستین بار مخاطب جهانی را به تماشای زندگی واقعی که در منطقه ممنوعه جریان دارد، دعوت می‌کند. زندگی‌ای که آمیخته با شادی‌ها و غم‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌هایی است که در سایه جنگ شکل می‌گیرند. این اثر بلند در جشنواره بین‌المللی فیلم مستند آمستردام موفق به کسب جایزه شده است.



لباید واقعبیت را به فضا برد

ادامه از صفحه ۹

هجوم تکنولوژی به جامعه و پیشرفت آن باعث شده هر کسی به آسانی حتی با گوشی موبایلش بتواند فیلم حرفه‌ای بسازد. ورود تکنولوژی‌های جدید در فیلمسازی مستند - چه در عرصه آماتور و چه حرفه‌ای - چه تاثیری داشته است؟

تغییر ابزار تکنیکی سینما و ورود به عرصه دیجیتال موجب انقلابی در تکنولوژی شد. ابزار بیانی در دسترس، هنر را از حیطه نخیه‌گرایی به حیطه هنر همگانی کشاند. در واقع انقلاب دیجیتال حرکت اجتناب‌ناپذیر به سمت آزادی است. مقابله با این آزادی هم از افرادی برمی‌آید که نگاه بسته‌ای به اطرافشان دارند. هر ابزاری می‌تواند ثبت‌کننده رایش‌های مستند بسیاری باشد. تفاوت بین رایش مستند و فیلم مستند یک مقوله بسیار جدی است. گرفتن یکسری تصاویر و کنار هم چسباندن آنها الزاما به معنی ساخت یک فیلم مستند نیست. فیلم مستند، نگاهی است که پشت ابزار فیلمسازی وجود دارد. آن ابزار می‌تواند موبایل یا یک دوربین هندی کم‌خانگی و یا یک دوربین حرفه‌ای باشد.

همان‌طور که می‌فرمایید امکانات زیاد و دم‌دست بودن وسیله برای فیلمبرداری باعث شد تا گمان تب فیلم گرفتن در میان مردم بالا برود. حتی گاهی دیده می‌شود که در دعوای و تصادفات بعضی‌ها به جای آن که به مصدومان کمک کنند، عقب می‌ایستند و با موبایلشان فیلم می‌گیرند، ولی در تحولات مهم اجتماعی این گوشی‌های موبایل چیزهایی را ثبت کرده که کاملا به درد مستندسازان می‌خورد که می‌خواهند درباره یک واقعبیت اجتماعی فیلم بسازند. به هر حال ممکن است فیلمساز در محل وقوع یک اتفاق اجتماعی حضور نداشته باشد ولی با استفاده از فیلم‌هایی که مردم گرفته‌اند بتواند فیلم موردنظرش را بهتر بسازد. در نهایت تکنولوژی موبایل‌های هوشمند که به قول شما فقط رایش می‌گیرد به درد مستندسازان حرفه‌ای می‌خورد.

وقتی فضای فیلمسازی بسته می‌شود و دوربین مستندساز اجازه حضور پیدا نمی‌کند طبیعی است که رایش‌های ثبت‌شده غیرحرفه‌ای می‌تواند توسط فیلمسازان به کار گرفته شود.

عکس روز



پاتوق واقعی فیلم مستند

سینما سپیده این روزها پاتوقی واقعی برای تماشای فیلم مستند است. استقبال کم‌نظیر علاقه‌مندان نشان داد که می‌توان با تدبیر درست از ظرفیت این سینما استفاده بهین‌تری کرد. سپیده روزگاری قرار بود پاتوق مستندسازان باشد اما به هزار و یک دلیل عملا به طرحی شکست‌خورده تبدیل شد.

در آینه رسانه

هوای تازه

با پایان یک روزه تعطیلی روزنامه‌ها، صفحه‌های فرهنگی روز شنبه مطبوعات به طور ویژه اخبار جشنواره هفتم سینما حقیقت را منعکس کرده بودند. بیشتر خبرها معطوف به حضور رئیس سازمان سینمایی و اظهارنظرش درباره آینده سینمای مستند بود. صحبت‌های ناصر تقوایی هم بازتاب زیادی در روزنامه‌ها داشت.

خبرهای خوب ایوبی برای اهالی سینما

روزنامه ایران از جمله روزنامه‌هایی بود که گفته‌های ایوبی را منتشر کرد. این روزنامه در ستون حاشیه - متن خود نوشت: به گفته حجت‌الله ایوبی رئیس سازمان سینمایی تا دو هفته دیگر اخبار خوبی به فیلمسازان سینمای کوتاه و مستند می‌رسد و به تبع آن نمایش آثار مستند و کوتاه به‌طور مستمر در دستور کار قرار خواهد گرفت.

سینماحقیقت: هوای تازه سینمای ایران

بانی فیلم در گزارشی مفصل از استقبال کم‌نظیر علاقه‌مندان سینمای مستند نوشت. این روزنامه با تیتراژ «سینماحقیقت: هوای تازه سینمای ایران» این‌گونه گزارش داد: در روزهایی که بحث اصلی سینمای ایران، عدم استقبال تماشاگران از فیلم‌های سینمایی است، ازدحام کم‌نظیر مردم برای تماشای فیلم مستند، با ابراز شگفتی و البته خوشحالی بسیاری از مسئولان، هنرمندان و دست‌اندرکاران سینما مواجه شده است.

مهم‌ترین تفاوت

روزنامه شرق سراغ محمد آفریده، از بانیان راه‌اندازی جشنواره حقیقت و عضو هیات داوران این دوره رفته و نظرش را درباره آثار امسال و سینمای مستند جویا شده. آفریده در قسمتی از این مصاحبه گفته: مهم‌ترین ویژگی این دوره، تیم برگزارکننده آن است که خوشبختانه برخلاف مدیران دوره گذشته همگی با سینما و به‌خصوص فیلم مستند آشنایی کافی و لازم دارند.

وقت سینما رفتن است

سایت تبیان هم در ادامه سلسله گزارش‌هایی که درباره اهمیت سینمای مستند روی خروجی‌اش می‌فرستد، این بار در نوشتاری از این جشنواره به عنوان فرصتی مناسب برای سینما رفتن یاد کرده. در قسمتی از این یادداشت چنین آمده: جشنواره سینماحقیقت فرصت مناسبی است برای سینما رفتن، سینمای ارزان. از صبح تا شب. دیدن فیلم‌های مستند ایرانی و خارجی. فضای فیلم مستند می‌تواند الهام‌بخش سینمای داستانی هم باشد.



نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران

زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند ایران

مدیرمسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد
 سردبیر: آرش خوشخو
 دبیر تحریریه: وحید سعیدی
 دبیر اجرایی: مرجان فاطمی
 سینمای ایران: احمد رنجبر
 بخش بین‌الملل: آیدا تدین
 مدیر هنری: محمد هاشمی
 عکس: حامد خورشیدی

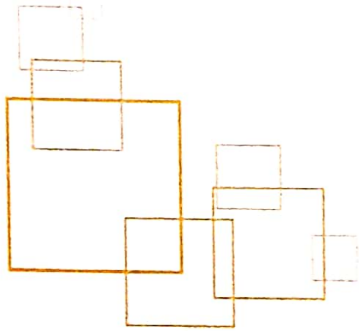
با سپاس ویژه از: جمشید مشایخی، رخشان بنی‌اعتقاد و کیوان گلبرگان

منتظر یک غافلگیری باشید!

امروز فیلم مستند نوسون ماندلای فواید اکران می‌شود. با یک سوپر ایزد قرار است یکی از سیاستمداران بلند پایه کشورمان امروز بیوهان ویژه سینما حقیقت باشد و به همراه دیگر علاقه‌مندان در سالن شماره یک سینما فاطمین به تماشای این اثر بنشینند. این مستند ۵۵ دقیقه‌ای که «هفته صلح» نام دارد را کارگردان و نویسنده یاکوسین ساخته اند و ابتداء شخصیت رهبر فقید جنیش ضد آزار یانید افریقای جنوبی از سری می‌کند. «هفته صلح» ساعت ۱۴ امروز یکشنبه ۲۴ آذر در سالن شماره یک سینما فاطمین به نمایش در می‌آید.

کاسه گوت 6

ویژه نامه نشریه روزانه هفتمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
 تهران ۱۰-۱۷ دذر ۱۳۹۲ تهران
 سینما فلسطین - سینما سپیده
 The 7th CINEMA VERITE IRAN International Documentary Film Festival

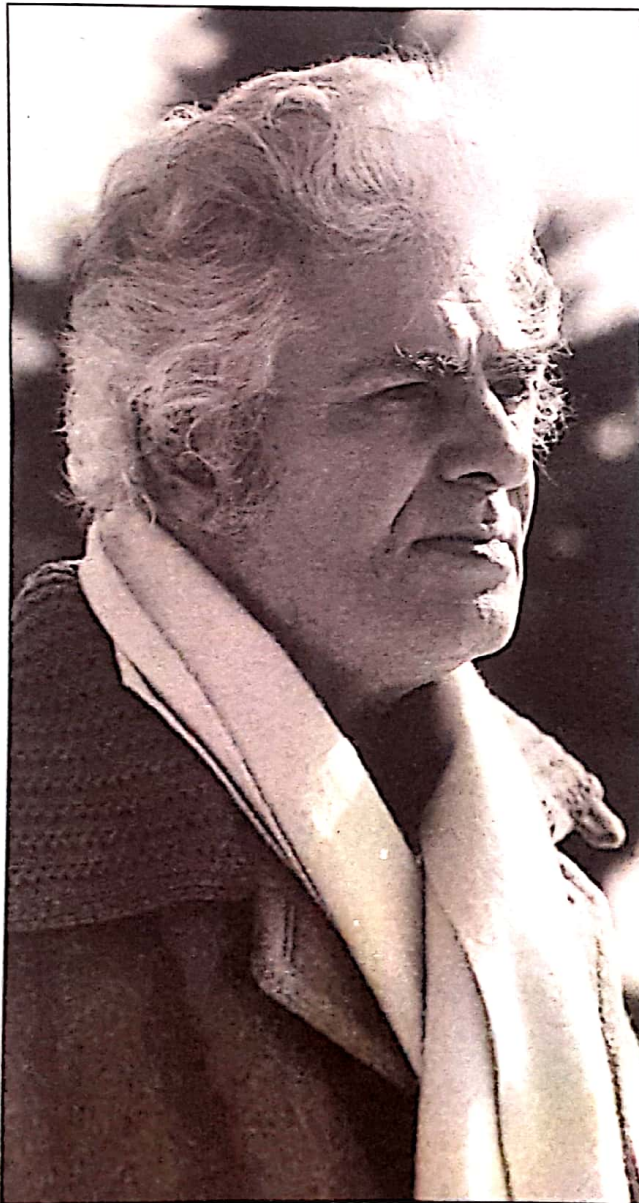


قابلی برای اهالی قلم کلمه و تصویر

شاعران، نویسندگان و فیلمسازان همواره سوژه‌های جذاب مستندسازان برای روایت زندگی‌شان بوده‌اند. در بخش پرتره جشنواره هفتم سینما حقیقت حجم قابل توجهی از فیلم‌ها درباره این طیف از جامعه است

Ahmadranjbarsh@gmail.com

احمد رامبر



فیلم مستند زندگی شاعران، نویسندگان و فیلمسازان به غیر از جذابیت‌های ظاهری، حاوی نکاتی است که برای خیلی‌ها حکم کلاس درس دارد. با تکیه بر گزاره دوم است که غالب مستندسازان سعی می‌کنند زندگی این قشر را در قالب گفت‌وگو با شخص مورد نظر به تصویر بکشند و در خلال آن دیدگاه دیگران، از رفیق گرفته تا همکار را جویا شوند. این شیوه اما به‌زعم بسیاری روش درستی برای معرفی زندگی شخصی و هنری افراد نیست، چراکه ممکن است بنا به مصالحی برخی از حقیقت در فرآیند تصویری کردن سوژه فدای مصلحت شود. با این حال استقبال از مستندهای پرتره نشان می‌دهد که مخاطب به همین اندازه هم راضی است و بیش از آن که بخواهد به کنه زندگی خصوصی آدم‌ها ورود کند، مرور دیدگاه‌ها و کارنامه او برایش جذاب است. پیرو همین نگرش است که بعد از این همه سال فروغ فرخزاد وجه شاعرانگی‌اش جذاب‌تر از بخش پنهان زندگی شخصی‌اش است. مخاطب فارغ از نام شاعر ابتدا مشعوف شعرهای او شده. یا داربوش مهرجویی وقتی خود را در اختیار مانی حقیقی می‌گذارد تا کارنامه ۴۰ ساله‌اش مرور شود، سرگذشت فیلم‌هایش از ایده تا پس از اکران برای بیننده مساله می‌شود. کسی خیلی دنبال این نیست که مثلاً مهرجویی کی عاشق شده و چرا به آمریکا رفته و چه سرنوشتی داشته است؟ این گفته البته نافی جذابیت‌های دراماتیک زندگی چهره‌های مطرح نیست؛ ولی در جغرافیای ایران حریم خصوصی افراد سد محکمی دارد که نفوذ به آن از توان کمتر فیلمسازی برمی‌آید. از معبر همین نگرش است که محور انبوه مستندهای حاضر در بخش جشنواره امسال معرفی و بررسی کارنامه افراد است. در نخستین پرونده‌ای که برای بخش مستند پرتره تدارک دیده‌ایم، سراغ فیلم‌هایی رفته‌ایم که درباره شاعران، نویسندگان و فیلمسازان ساخته شده‌اند. جمشید مشایخی هم سوژه ما برای تکمیل پرونده شده که نظرات جالبی درباره سینمای پرتره عنوان کرده است. در جشنواره هفتم این فیلم‌ها با محور زندگی و مرور کارنامه سینماگران، نویسندگان و شاعران کشورمان ساخته شده‌اند: «پرتره فیلمساز»، مستندی درباره محمدرضا اصلانی شاعر، پژوهشگر، نویسنده و مستندساز، «ابراهیم در آتش» مستندی به یاد مرحوم ابراهیم اصغرزاده، «سکوت ساحل» درباره فرهاد مهرانفر مستندساز، «با مستندهایم» درباره ارد زند مستندساز، «یک زندگی تا باران» مستندی از زندگی و آثار فرهاد فدائیان، «پرواز در دایره» حضور درباره احمد شاملو، «پسرک چشم‌آبی» درباره جواد مجابی نویسنده، «چراغ‌ها» جمال میرصادقی نویسنده و «تمرین مدارا» درباره اسماعیل قربانی شاعر.

مستند پرتره «پرواز در دایره حضور» با موضوع زندگی احمد شاملو یکی از فیلم‌های مهم بخش مسافانه سینمای ایران در بخش پرتره است

سیمای یک هنرمند در اوج

کمال بر دیار

می گذارد. طبعی است که پرتره الزاما به زندگی بزرگان نمی پردازد. بسیاری از فیلمسازان به سراغ سوزه‌هایی رفته‌اند که نامی نیستند، ولی از جذابیت آشکاری برای تماشاگر برخوردارند (معروف‌ترینشان باغ‌سنگی پرویز کیمیای است). اما در نهایت کارکرد پرتره بیشتر در به تصویر کشیدن زندگانی مشاهیر معنا می‌یابد و در این جاست که آن سوال حیاتی چهره می‌نماید: آیا جوان فیلمساز ما توانسته راز بزرگی سوزه را به نمایش بگذارد؟ آیا موفق شده روند خلاقیت هنری یک هنرمند بزرگ را و با کیمیاست و سیاسی بودن فلان سیاستمدار مشهور را به تصویر بکشد؟ چند تا نمونه موفق می‌توانیم مثال بیاوریم؟ دوتا؟ ده تا؟ چند تا؟

وادی پرتره در سینمای مستند ما عرصه‌ای است که جا برای کار فراوان دارد. تاریخ پر تلاطم ایران در یک قرن اخیر و بازیگران متفاوت و پرشمارش در عرصه فرهنگ و سیاست و ورزش، نیازمند آثار مستند متعددی هستند. آثاری که هر کدام وجهی از چهره این مردان و زنانی را که در نقطه‌عمل تاریخی کشور ما اجتماع کرده‌اند بر ملا کنند. فیلم‌های پرتره شاخص‌ترین زیرگونه سینمای مستند ما در سال‌های آینده خواهد بود. این یک پیش‌بینی قریب به یقین است.

شریعتی، مصدق، قوام، طبیب رضایی، مرتضی اوینی، نواب صفوی، شاملو، سپهری، اخوان ثالث، شهریار، حسین نصر و... فرصت و مجال مطرح شدن در سینما را نیافته‌اند. چه کسی دوست دارد یک میلیارد تومان سرمایه را در این وادی بر از مه و شک و گمان به کار بگیرد؟ شاید نمایش فیلم چمران در جشنواره امسال راه سنکلاخ این وادی را کمی باز کند.

در این میان سینمای مستند با دوری جستن از هیاهوی سینمای داستانی و با تکیه بر دیوار قسطور پژوهش و تحقیق و پریدن از چاله درام، یک امکان بالقوه برای پوشش این نقیصه است. سینمای مستند ما می‌تواند نیاز یک نسل را برای دانستن و آشنایی با زندگی بزرگان معاصر پوشش دهد. خوشبختانه با یک موج از فیلمسازان جوان روبه‌رویم که برای به تصویر کشیدن پرتره‌های معاصر کمر همت بسته‌اند. این اشتیاق و استقبال شاید به خاطر نیاز و عطش موجود در این حوزه باشد و شاید- در نگاهی بدبینانه- به خاطر سهل و ممتنع بودن کار در این وادی. اینجا در روایت پرتره یک هنرمند یا یک رجل سیاسی، فیلمساز با میدان عملی بی‌نهایت وسیع روبه‌روست که جا را برای هر گونه ابتکار عمل و خلاقیت باز

پرتره از جذاب‌ترین زیرگونه‌های سینمای مستند است. در کاهلی آشکار ادبیات و سینمای داستانی کشورمان در روایت و به تصویر کشیدن زندگانی مردان بزرگ معاصر این سینمای مستند است که از چهره‌های به یادماندنی قرن اخیر سندهای تصویری قابل توجهی به یادگار می‌گذارد. این آشکار است که در سینمای ایران- سینمای داستانی- ردپای آثار جذاب بیوگرافیک بسیار محو است، نمونه‌های معدود عرضه‌شده با چندان جلب توجه نکرده‌اند (مثل تیرباران که روایت زندگی شهید اندرزگو است و یا سردار جنگل ساخته امیر قوبل) و یا با انتقادات شدید روبه‌رو شده‌اند (فرزند صبح ساخته بهروز افخمی). شاید استثنائات، پرتره‌های نه چندان موفق و مستند مرحوم حاتمی باشد. یعنی «کمال‌الملک» و «حاجی و اشنگتن». از طرفی ذات سینمای داستانی ساخت آثاری بر مبنای زندگی بزرگان تاریخ معاصر را سخت کرده است، چراکه ذات دراماتیک سینما و لزوم اخذ همذات‌پنداری تماشاگر وادی پرخطری را سر راه فیلمساز قرار می‌دهد. در واقع در دست‌بندی‌های سیاسی موجود چهره‌ای که از سوی تمام طیف‌ها و گروه‌ها مورد تأیید باشند به ندرت یافت می‌شوند. برای همین است که زندگانی چهره‌های جذاب و دراماتیکی مثل دکتر

ارزشمندی پرتره هنرمند در زمان حیاتش

جمشید مشایخی یک بار سوزه مستند پرتره شده و یک بار فیلمی پرتره درباره خسرو شکیبایی تهیه کرده. او معتقد است فیلم مستند باید صداقت داشته باشد و در کنار نشان دادن خوبی‌های سوزه، معایب او را هم نشان دهد. گفت و گو با این بازیگر درباره میزگی های مستند پرتره حاوی نکات جالبی است

ما در کرمان فیلمبرداری داشتیم که در روزنامه خواندم جمشید مشایخی می‌خواهد در مورد خسرو شکیبایی فیلمی تهیه کند. من همیشه گفته‌ام مستند درباره هنرمند تا وقتی زنده است باید ساخته شود. وقتی از دنیا رفت، خیلی خوب و خوشایند نیست. من اهل کارهای این شکلی نیستم ولی اگر می‌گفتم نه، ممکن بود فکر کنند من شکیبایی را دوست نداشتم. وقتی قول کردم برام سخت بود و خیلی رنج کشیدم، چون دوست داشتم خسرو زنده می‌بود و مستندش ساخته می‌شد. آقای علی حاتمی تا زمانی که زنده بود حتی یک جایزه کوچک هم به او ندادند، وقتی از دنیا رفت هر سال مراسم می‌گیرند. من با این جنس کارها مخالفم.



مستند پرتره ضمن صداقت باید همه زوایای زندگی فرد مورد نظر را نشان بدهد. هیچ فردی در جهان به کمال نرسیده و نخواهد رسید، چون کمال در خداوند است

کسی که فوت شده مستند نساخت. وقتی یکی از دنیا رفته طبق عادت معتقدیم نباید بدش را بگویم. برای همین وقتی کسی از دنیا رفت معمولا نظرها دربارش درست نیست و همه اغراق می‌کنند. آن‌هایی که با او مخالف بوده‌اند حالا از او تعریف می‌کنند. بنابراین مستند بعد از مرگ آدم‌ها خیلی نمی‌تواند به حقیقت نزدیک باشد.

شما خبر دارید هیچ وقت کسی به علی حاتمی پیشنهاد ساخت مستند زندگی و کارهایش را بدهد؟

نه، در این فضاها نودند. ضمن این که آن موقع رسم نبود پشت صحنه بگیرند. ما حتی هر هفته در تلویزیون اجرای تئاتر داشتیم که چون زنده بخش می‌شد الان تصاویرشان موجود نیست. من در مصاحبه با مجله فیلم گفته بودم علی حاتمی سعدی سینمای ایران است. بعضی‌ها با حالت خاص و حرف‌های عجیب با من برخورد کردند، حالا همان آدم‌ها می‌آیند از او تعریف می‌کنند ما اصلا

در میان چهره‌های مطرحی که سوزه فیلم مستند می‌شوند، زندگی ستارگان سینما همیشه از جذابیت‌های زیادی برخوردار بوده. جمشید مشایخی از معدود بازیگران موفق سینمای ایران است که توانسته راه سخت و پرپیچ‌وخم بازیگری را به سلامت بگذراند. بی‌شک مرور شش دهه زندگی هنری و البته شخصی این بازیگر که با بسیاری از تولیدات مهم تئاتر، سینما و تلویزیون همراه بوده دارای جذابیت‌های فراوان است. چند سال پیش امیر مهتاش مهدوی مستند «جمشید مشایخی» را ساخت که البته محور آن گفته‌های دیگران درباره این بازیگر بود. علی روئین هم چند وقتی است قصد دارد مستندی با نام «بازیگر الملوک» درباره مشایخی بسازد. تکیه این مستند بر بازسازی فیلم‌های مطرح بی‌شماری است که او در آن‌ها حضور داشته. مشایخی خودش چند سال پیش فیلمی با عنوان «ساکن صحرای سکوت» درباره زندگی زنده‌یاد خسرو شکیبایی تهیه کرد. همه این‌ها باعث شد در پرونده سینمای پرتره سراغ این بازیگر پیشکسوت رفتیم و دیدگاهش را درباره این گونه مهم سینمایی جویا شدیم.

شما از جمله بازیگرانی هستید که هم مستند خودتان ساخته شده هم تهیه‌کنندگی مستند زندگی زنده‌یاد خسرو شکیبایی را داشته‌اید. علاقه شخصی‌تان به شکیبایی بود که تصمیم به تهیه «ساکن صحرای سکوت» گرفتید؟

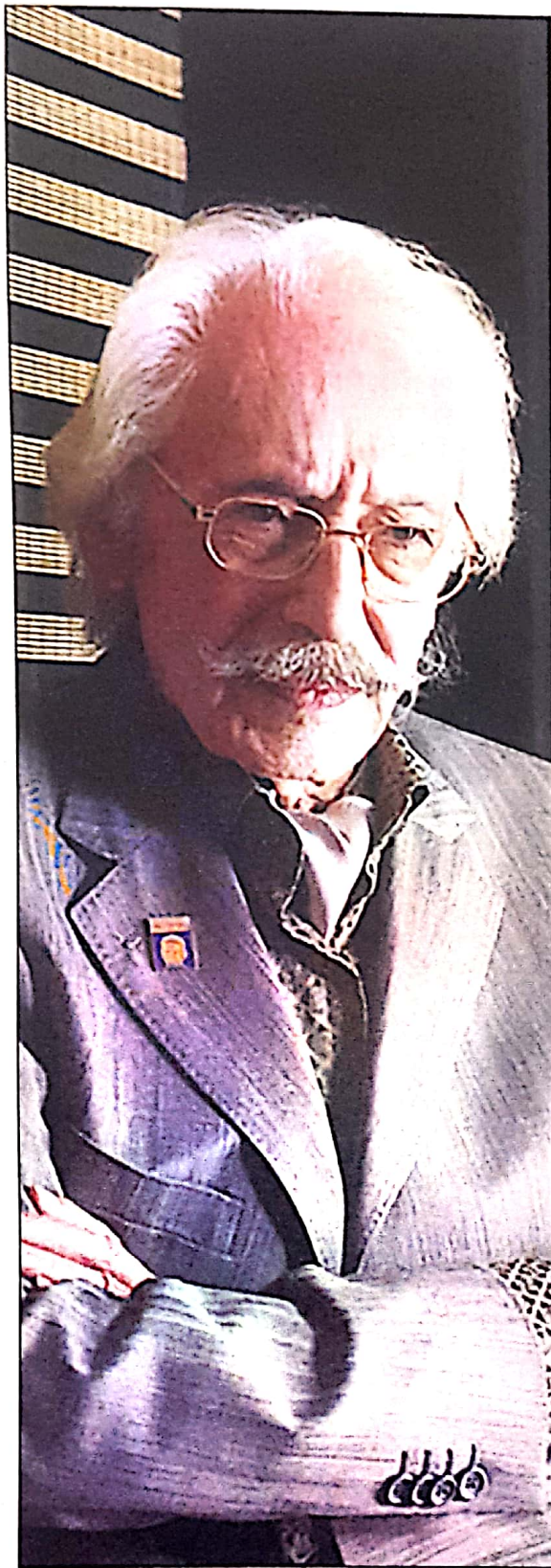
نام سوزه: نام فیلم: پرواز در دایره حضور
کارگردان: مختار شکری پور
نام سوزه: نام فیلم: پرتره فیلمساز
کارگردان: لیلخیل زاده
نام سوزه: نام فیلم: سرگ چشم آبی
کارگردان: حسن لطفی
نام سوزه: نام فیلم: جواد مجابی
کارگردان: حمیدرضا اصلانی

ارد زند خودش یک عمر مستند ساخته و حالا سوزه مستند ساز دیگری شده. «با مستندهایم» روایتی است از زندگی و آثار این مستند ساز با سابقه که فیلم‌های زیادی در گونه‌های مختلف مستند کارگردانی کرده.

جواد مجابی شاعر، نقاش، نویسنده و منتقد ادبی است که فیلم «سرگ چشم آبی» گوشه‌ای از آن را بازگو کرده است. در این فیلم بزرگانی چون محمود دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی و زنده‌یاد مهدی سحابی درباره مجابی سخن گفته‌اند.

محمدرضا اصلانی نامی آشنا و قابل احترام در سینمای مستند است که آثار زیادی در این حوزه ساخته. این فیلمساز برجسته حالا سوزه کارگردانی جوان شده. «پرتره فیلمساز» مروری است بر زندگی و آثار محمد رضا اصلانی.

درباره احمد شاملو چند فیلم مستند ساخته شده. شکر پور در مستند «پرواز در دایره حضور» سعی کرده از زاویه‌ای تازه زندگی این شاعر را به تصویر بکشد. آریا شاملو، دولت‌آبادی، سیمین بهبهانی، مسعود کیمیایی، جواد مجابی، علی رفیعی، و محمد یعقوبی از این شاعر سخن گفته‌اند.



وجودات عجیبی هستند. داربوش بزرگ در کتبه‌اش می‌نویسد خدا یا ملت من را از دروغ فحطی و جنگ در امان مدار. اول دروغ را می‌گوید، یعنی دروغ از جنگ و فحطی بدتر است. الان متأسفانه دروغ در جامعه زیاد شده. آشنایان به ایران می‌آیند. خیلی‌ها لباس این تیم را می‌پوشند و به استقبالشان به فرودگاه می‌روند. بعد ورزشکار در حه یک جهان (مسی) را این‌گونه تخطئه می‌کنند. نوه من چند روز پیش می‌گفت حرف‌های رشت درباره شما زده‌اند. گفتم دخترتم من همیشه گفتام من هیچم؛ خاک پای مردمم معلمان من مردم ایران هستند. پس چرا این‌گونه است.

۱۲ یک مستندساز در این زمینه چه قدر می‌تواند تاثیر گذار باشد؟

مستندساز باید راستش را بگوید. واقعیت را نشان دهد. مردم خودشان به‌خوبی جنس بد و خوب را تشخیص می‌دهند. اگر فیلسی فاقد صداقت باشد اصلاً تاثیر گذار نیست. مستندساز باید شاخک‌های حساسی داشته باشد و با چشمان تیزبین خوبی و بدی جامعه اطرافش را ببیند. در ساخت هم حواش باشد که دچار افراط و تفریط نشود. به نظر من یک فیلم مستند اگر با ساختاری خوب و جذاب ساخته شود تأثیرش هزاران بار بیشتر از بند و موعظه‌های مستقیم است البته نباید انتظار داشت با ساخت یک مستند همه مشکلات حل شود. همه ابزارهای هنری باید برای تنقیه فرهنگی و ارتقای زندگی اجتماعی همگام باشند؛ این موقع است که می‌توان گفت هنر و از جمله فیلم مستند تاثیر خود را در لایه‌های مختلف جامعه گذاشته است.

۱۳ یکی از کارکردهای مهم مستند پرتره معرفی چهره‌های مطرح به مردم جامعه و آیندگان است. به نظر شما چرا برخی دوست ندارند زندگی‌شان ساخته شود؟

این یک بحث شخصی است ولی مستندساز باید بداند چطور آدم موردنظر را راضی به ساخت زندگی شخصی و هنری‌اش بکند. ضمن این‌که من معتقدم کار مستندساز مثل مورخ است. حالا ببینید ما چند مورخ داریم که راستگو هستند؛ مورخان یا طرفدار حاکمیت بوده‌اند، نقاط ضعفش را نوشته‌اند یا دشمنش بوده‌اند کار خوبی هم اگر کرده را نوشته‌اند. مورخ باید صداقت داشته باشد. سره از ناسره را جدا کند. تعداد کمی از مورخان ما هستند که راست می‌گویند. نمونه‌اش مورخی که در تلویزیون ظاهر می‌شود. خوب عزیز من اگر راست نمی‌گویی حداقل سکوت کن.

۱۴ چند سال پیش مستند زندگی شما توسط امیر مهرتاش مهدوی ساخته شد. از خروجی کار راضی بودید؟

مستند «جمشید مشایخی» را نمی‌توان گفت مستند زندگی. مستند زندگی این است که حیات یک شخص از زمانی که وارد عرصه هنر می‌شود را در بگیرد. این‌که تکه‌هایی از زندگی‌اش را نشان دهند و یک قسمت‌هایی را باساری کنند، خیلی جذاب نیست. آقای مهدوی در مستند «جمشید مشایخی» از هنرمندان درباره من سوال کرده بودند؛ این را نمی‌توان گفت سینما حقیقت.

۱۵ زندگی شما به قدری دراماتیک بوده که جذابیت فراوانی برای ساخت مستند دارد. کسی پیشنهاد ساخت زندگی‌تان به طور کامل را داده؟

بله. قبول کرده‌ام ولی الان آمادگی ندارم. آقای علی توکل‌نیا و علی روبین‌تن جدی صحبت کرده‌اند. آقای زاوون قو کالیان حدود ۲۰ سال پیش مصاحبه‌هایی برای چاپ کتاب انجام دادند، اما هر شد.

۱۶ اگر شرایط ساخت زندگی شخصی و هنری‌تان فراهم شود، مشکلی که ندارید؟

من فکر می‌کنم در جامعه شخصیت‌های بسیار بزرگی هستند که من دلم می‌خواهد پنج دقیقه دو زانو رویه‌رویشان بنشینم و کسب فیض کنم.

۱۷ این از شکسته‌نفسی شما است. به هر حال نیاز به گفتن نیست که شما راه سختی را به سلامت گذرانده‌اید. این باید نشان داده شود، چون هم جذاب است هم درس آموز.

باید شرایطش بیش بیاید شرایط مناسب باشد، مشکلی ندارم.

۱۸ شما اهل تماشاای فیلم مستند هستید؟

بدم نمی‌آید. ولی معمولاً دوست ندارم مستند کسی که از دنیا رفته و حالا درباره‌اش فیلم ساخته‌اند را ببینم. همان‌طور که گفتم فیلم ساخته شده خیلی واقعیت ندارد. من علاقه زیادی به فیلم‌های حیات‌وحش دارم. صداقت دارد. درس دارد.

۱۹ یعنی به عقیده شما مهم‌ترین مشخصه مستند پرتره باید صداقت در بیان باشد؟

ببینید فرض کنید یک نفر که من را دوست دارد می‌خواهد درباره زندگی من نویسد یا فیلم بسازد. طبیعتاً باید موقع ساخت از من نوعی فاصله بگیرد و احساسش را دخیل نکند. مستند پرتره ضمن صداقت باید همه زوایای زندگی فرد موردنظر را نشان بدهد. هیچ فردی در جهان به کمال نرسیده و نخواهد رسید، چون کمال در خداوند است. منتهی فردی نسبت به دیگری به کمال رسیده. مستندساز باید جانب انصاف و اعتدال را نگه دارد، چون فیلم قرار است برای مردم و آینده درس باشد. کسی اگر اشتباهی کرده باید گفته شود. این طوری ارج و قرب او هم بالاتر می‌رود. به هر حال همه در زندگی اشتباهاتی می‌کنند و باید نشان داده شود.

۲۰ غیر از صداقت و همه‌جانبه‌نگری، به نظر شما یک فیلم مستند پرتره چه مشخصه دیگری باید داشته باشد؟

کسی که مستند می‌سازد بدبختی است که با سینما و ابزارهای آن باید آشنایی کامل داشته باشد. مستندسازی هنر سختی است. همه در خانه یک دوربین دارند ولی مستند باارزش آنی است که یک کارگردان فهمیده می‌سازد. مستندساز علاوه بر اشراف بر ابزار کار باید تاریخ سینما و هنر بداند، ذوق داشته باشد و دنبال نوآوری باشد. اگر فیلمساز بدون مطالعه سراغ سوزشش برود فقط سوزه را خراب کرده، برای همین یک مستندساز باید اشراف همه‌جانبه به سوزش داشته باشد.

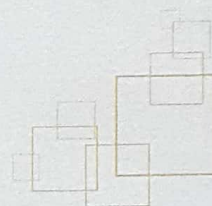
نام فیلم	نام سوز	نام فیلم	نام سوز	نام فیلم	نام سوز
نام فیلم: چراغ‌ها کارگردان: علی زارع قنات‌نوی	نام سوز: فرهاد فداییان کارگردان: مجید لشگری	نام فیلم: ساکوت ساحل کارگردان: نادر معصومی	نام سوز: فرهاد مهران‌فر	نام فیلم: تأمرین مدارا کارگردان: ابراهیم سعیدی‌نژاد	نام سوز: اسماعیل قربانی
جمال میرصادقی	فرهاد فداییان	فرهاد مهران‌فر	فرهاد مهران‌فر	«تأمرین مدارا»	اسماعیل قربانی
حمال میرصادقی را می‌توان ابوالمشاغل لقب داد او کلی شغل تجربه کرده که نویسندگی یکی از آن‌هاست. داستان کوتاه، رمان، نقد ادبی و مجموعه مقالات پژوهشی بخشی از فعالیت نویسندگی اوست که برخی از آن‌ها به زبان‌های مختلف هم ترجمه شده‌اند.	فرهاد فداییان مستندساز و عکاسی است که زندگی هنری‌اش توسط مجید لشگری سوز «یک زندگی تا باران» شده فداییان نزدیک به پنجاه مستند ساخته. موضوع بیشتر فیلم‌هایش درباره معماری، صنعت، سنت، گرفتاری آدم‌ها، موسیقی، تاریخ، فرهنگ و اقوام ایران است. او را مستندسازی مولف نامیده‌اند.	فرهاد مهران‌فر در تصویر کشیده. مهران‌فر بیش از ۵۰ فیلم مستند و چهار فیلم بلند سینمایی ساخته‌است.	فرهاد مهران‌فر در تصویر کشیده. مهران‌فر بیش از ۵۰ فیلم مستند و چهار فیلم بلند سینمایی ساخته‌است.	«تأمرین مدارا» موضوعی جالب دارد. فیلم درباره اسماعیل قربانی شاعری است که سی سال از زندگی خود را در تاریکی و نابینایی گذرانده‌است. او که در روستایی دورافتاده زندگی می‌کند در یک صبح بیثباتی خود را بدون مقدمه به دست آورده است. اما این تازه آغاز ماجراست.	اسماعیل قربانی

A Frame for the Literati and Artists

Aida Tadayon

aida.tadayon@gmail.com

Poets, writers and filmmakers' lives have always been considered as an interesting subject for documentary filmmakers. There have been a large number of such films about this community in the "Portrait" Section of the 7th Cinema Verite Documentary Film Festival. Apart from its apparent attractions, such documentaries include some important points that can be considered as a training class to many cinema-makers. That's why many documentary filmmakers try to depict the life of such persons in the form of interview, from talking with them personally to interviewing with their families, friends and colleagues, etc. In Iran, it is very difficult for a filmmaker to depict the real and famous persons' private lives, although there are lots of dramatic attractions in their lives. According to this view, most of "Portrait" documentaries are made based on reviewing the person's professional background and public life without very personal details.



Portraits of a Great Contemporary Poet & Filmmaker

"Flying at the Presence Circle" is a portrait documentary made by Mokhtar Shokripour about the life of 'Ahmad Shamlou'. He has tried to depict his life from a new viewpoint this time, interviewing with Aida, his wife, Mahmoud Dolatabadi, Simin Behbahani, Masoud Kimiaei, etc. "Filmmaker Portrait" is a documentary directed by Leila Khalilzadeh. The film subject is about 'Mohammad Reza Aslani', respected, well-known Iranian filmmaker and reviews his life and works. Mahtaj Nojumi, veteran actress in cinema, is also present in this documentary as the narrator.



Portraits of a Painter, Writer & Documentary Filmmaker

Hasan Lotfi has directed "Blue Eye's Boy" focusing on the life of a contemporary poet, painter, writer and literary critic, 'Javad Mojabi'. In this documentary, some famous figures, such as Mahmoud Dolatabadi, Simin Behbahani and Mehdi Sahabi. 'Orod Zand' is the subject of the other documentary named "With My Documentaries". Hamid Reza Koudaghi has directed a documentary about this veteran, professional documentary filmmaker who has devoted his life to this field. It is the story of his personal and professional life.



The Life of a Veteran Writer and Filmmaker in Portraits

Ali Zare Ghanatnavi has made a documentary about 'Jamal Mirsadeghi', who is highly experienced in many fields. Short story writing and literary criticism are among his writing activity. Some of his works have been translated into other languages. "The Lights" is an exploration into the life of a great writer. "A Life to Rain" is a portrait documentary directed by Majid Lashgari about 'Farshad Fadaian', a documentary filmmaker and photographer whose films are mostly on the subject of architecture, industry, traditions, people's concerns, music, etc.



Portraits of a Filmmaker and a Poet in Darkness

'Farhad Mehranfar' has become the subject of a portrait documentary named 'The Silence of the Shore'. Nader Masoumi, the director, has depicted the professional life of this famous filmmaker who has more than 50 documentary and 4 feature films in his resume. "Exercise Tolerance" is a film directed by Ebrahim Saeidinejad. It is about 'Esmail Ghorbani', a poet who has spent three decades of his life in darkness and blindness. Ghorbani, who lives in distant village, went suddenly blind one day and it is only the beginning for a poet who is not able to write anymore.

GUTZ
6

فستیوال جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران - سینما حقیقت
Tehran 10-17 Dec 2013
The 7th CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival
سینما قاسمیان - سینما سپیده ۹۲
۱۹ تا ۲۴ آذر ۹۲ تهران

مستند پرورد
شماره ششم
پیک نشین ۲۴ آذر ماه ۹۲